

مفاهیم و کلیات

مفهوم خانواده

تعریف و ضرورت خانواده

- خانواده: عبارت است از مجموع اشخاصی که به واسطه قرابت نسبی و سببی به هم بستگی دارند و از هم ارث می برند.
- قرابت یا خویشاوندی یا خویشی: رابطه ایست که از نسب یا از نکاح حاصل می شود. بنابراین «قرابت بر دو قسم است قرابت نسبی و قرابت سببی» (ماده ۱۰۳۱ قانون مدنی) نوعی قرابت هم به نام قرابت رضاعی وجود دارد ولی آثار آن فقط راجع به منع نکاح است.
- وجود نهاد خانواده از حیث اجتماعی و اقتصادی و تربیتی و فرهنگی ضرورت دارد. بنابراین هیچ نهادی حتی دولت نیز نمی تواند جایگزین آن شود هرچند دولت در تربیت اطفال بی سرپرست و واگذاری سرپرستی آنها مسئول است.
- مقررات حاکم بر حقوق خانواده در سال ۱۳۷۶ دادگاه خانواده برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی تشکیل گردید. و در سال ۹۰ قانون حمایت از خانواده تصویب و در سال ۹۲ منتشر و اجرایی گردید این قانون همه قوانین مربوط به خانواده را به غیر قانون حمایت خانواده مصوب ۵۳ نسخ نمود. قانون حمایت خانواده مصوب ۹۲ و برخی موارد غیر منسوخ قانون حمایت خانواده مصوب ۵۳ به همراه قانون مدنی نظام حقوق خانواده در کشور را تبیین نموده است.

ازدواج

تعریف و اقسام ازدواج

- نکاح (ازدواج - زواج) قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده و خانواده‌ای تشکیل می دهند که به تبع آن حقوق و تکالیفی مالی و غیر مالی فی مابین آنها و بستگان و فرزندان حاصل از آنها شکل می گیرد.
- اقسام ازدواج نکاح دو قسم است: دائم و موقت (منقطع - متعه).
- نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار می دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است.
 - تفاوت های نکاح دائم و موقت: در این دو نوع نکاح آثار نکاح همانند هم است جز در معدود مواردی که وجه افتراق باهم دارند. که برخی از آنها عبارتند از:
- ۱- زن در عقد موقت ارث ندارد: مطابق ماده ۹۴۰ قانون مدنی زوجین که زوجیت آنها دائمی باشد از یکدیگر ارث می برند. این قاعده آمره بوده و شرط خلاف آن باطل است پس شرط توارث در نکاح منقطع باطل است.
 - ۲- زن در نکاح موقت نفقه ندارد: در عقد انقطاع (موقت)، زن حق نفقه ندارد مگر این که شرط شده یا آن که عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. (ماده ۱۱۱۳ ق.م) از جمله شروط بنایی نفقه طولانی بودن مدت ازدواج موقت مثل صیغه های ۹۹ ساله است.
 - ۳- تعیین مدت در نکاح موقت لازم است: نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد. (ماده ۱۰۷۵ ق.م). در صورت عدم ذکر مدت نکاح:
- اگر معلوم باشد مقصود طرفین نکاح موقت است، نکاح باطل است.
 - اگر معلوم نشود مقصود نکاح دائم یا موقت ظاهر این است که نکاح صحیح و دائم است.
 - در صورت اختلاف زوجین در دائم و موقت بودن، هر یک بتواند ادعای خود را ثابت کند قول او صحیح است اگر ادله ای نداشتند و هر کدام سوگند خوردند قول او صحیح است اگر هر دو سوگند خوردند نکاح منتفی است.
- ۴- تعیین مهر در نکاح موقت شرط صحت نکاح است: در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است. (ماده ۱۰۹۵ ق.م)
 - ۵- در نکاح موقت مقررات طلاق اجراء نمی شود: طلاق مختص نکاح دائم است و نکاح موقت با بذل مدت از سوی مرد یا انقضاء مدت یا فسخ نکاح پایان می یابد.

- ۶- عده زن در نکاح موقت با نکاح دائم در مواردی متفاوت است: عده زن غیر آبستن در نکاح موقت در جدایی از شوهر بعلت فسخ نکاح یا بذل مدت یا انقضاء مدت دو طهر است اما در ازدواج دائم در صورت فسخ نکاح سه طهر است. و نیز عده زنی که عادت نی بیند در نکاح موقت ۴۵ روز و در نکاح دائم سه ماه است. عده وفات در هردو نکاح برابر است.
- غیر از وجوه افتراق مهم ازدواج موقت در برخی موارد دیگر نیز با نکاح دائم متفاوت است:
 - ۱- زن در عقد موقت اجازه همسر برای اشتغال زن شرط نیست ولی در عقد دائم بدون توافق این امر جایز نیست.
 - ۲- در ازدواج موقت هر کدام از زوجین بدون جلب رضایت دیگری می تواند از بچه دار شدن جلوگیری کند. البته فرزندان حاصل از نکاح موقت فرقی با فرزندان حاصل از نکاح دائم ندارند.
 - ۳- تعیین محل مسکن در ازدواج موقت تابع ترا ضی زوجین است و زن اجباری برای سکونت در مسکن شوهر ندارد مگر شرط خلاف شده باشد اما در ازدواج دائم تعیین محل مسکن با شوهر است.
 - ۴- مرد حق ندارد هم زمان بیش از چهار زن دائمی داشته باشد اما در ازدواج موقت محدودیتی در تعداد زوجین ندارد.
 - ۵- در ازدواج دائم با سه بار طلاق زوجین از ازدواج ممنوع می شوند و برای ازدواج مجدد نیاز به محلل است اما در ازدواج موقت دفعات بذل یا فسخ یا انقضاء مدت مانع از ازدواج مجدد زوجین نیست.
 - ۶- ازدواج موقت مرد مسلمان با زن غیر مسلمان کتابی مثل مسیحی و یهودی مانعی ندارد اما در ازدواج دائم زوجین باید مسلمان باشند.

خواستگاری

- خواستگاری عبارت است از اینکه مردی از زنی تقاضای ازدواج کنند. هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می توان خواستگاری نمود. (ماده ۱۰۳۴ ق.م)
- خواستگاری از زنی که دارای مانعی برای نکاح باشد مثلاً زن شوهر دار یا زنی که از محارم نسبی شخص است و نیز زنی که در عده رجوعه است مجاز نیست.
 - خواستگاری از زنی که در عده طلاق بائن یا عده وفات یا در عده طلاق سوم، اگر خواستگاری به تعریض (کنایه) باشد مجاز و اگر خواستگاری به تصریح باشد ممنوع است.
 - خواستگاری از زنی که خالی از موانع نکاح نباشد ضمانت اجرای حقوقی ندارد. مگر از مصادیق عنوان مجرمانه مزاحمت یا موجب مسئولیت مدنی از باب خسارت معنوی باشد.
 - خواستگاری از زنی که خواستگار یا خواستگاران قبلی خود را رد کرده یا تقاضای آنان را بی پاسخ گذارده باشد، خالی از منع است.
 - در خصوص خواستگاری از نامزدی دیگری و زنی که تقاضای ازدواج دیگری را پذیرفته، ولی عقد نکاح واقع نشده بین فقها اختلاف نظر است و اغلب به حرمت آن نظر داده اند همچنین چنین عملی از نظر اخلاقی نیز نکوهیده است. با این حال، از نظر قانون وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی کند، و چنانچه شخصی از نامزد دیگری خواستگاری کرد و پس از موافقت، با وی عقد نکاح بست، عقد صحیح است. اما این مانع از مطالبه خسارات مادی و معنوی وارد شده به نامزد سابق نیست.
 - به ظاهر ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی که لزوم خواستگاری از سوی مرد از آن برداشت می شود نباید توجه کرد. شایسته نیست که شروع خواستگاری و تقاضای ازدواج از سوی زن که طی رفتاری خردمندانه و حیأآمیز و با مراعات موازین و موانع شرعی انجام شود ناروا انگاشته شود.
 - هرگاه خواستگار مزاحمتی ایجاد کند یا خواستگاری ممنوع شرعی و قانونی باشد و توهین تلقی شود، مزاحم مستوجب کیفر و مشمول مقررات تعزیری خواهد بود. (مستفاد از ماده ۶۱۹ ق. تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)

نامزدی

نامزدی تراضی پسر و دختر یا زن و مرد برای ازدواج در آینده نامزدی یا وعده ازدواج نامیده می شود.

- نامزدی قراردادی است که بین دو نفر به منظور ازدواج در آینده بسته می شود.
- وعده‌ی ازدواج ایجاد علقه‌ی زوجیت نمی‌کند اگر چه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد.
- نامزدی عمل حقوقی جایز بوده هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کنند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را از طریق قضایی مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه‌ی خسارتی نماید.
- برخلاف سایر عقود جایز نمی‌توان به استناد ماده ۱۰ ق.م. یا شرط ضمن عقد لازم نامزدی را غیر قابل فسخ نمود. ماده ۱۰۳۵ ق.م هر ترتیبی را که منجر به الزام زن و مرد به عقد نکاح شود منع کرده است و مفاد این ماده حکم یا قاعده امری محسوب می‌شود (نه تکمیلی)
- برای نامزدی نمی‌توان وجه التزام قرارداد. اما هر گاه مقصود قابل مطالبه بودن وجه التزام در صورت رجوع بدون علت موجه باشد، معتبر است. چون الزام‌آور نبودن تعهد به نکاح با قابل مطالبه بودن وجه التزام در صورت رجوع بدون عذر موجه مغایرتی ندارد.
- نامزدها باید روابط خودشان را با محدودیتهای شرعی تنظیم کنند، چون علقه زوجیت فی مابین آنها نیست روابط نزدیک آنان به ویژه روابط جنسی نامشروع و فرزند ناشی از آن نیز نامشروع است اگرچه در آینده ازدواج کنند و به طور رسمی نکاح خود را ثبت نمایند.

مطالبه خسارات حاصل از نامزدی

- صرف خودداری از ازدواج مجوز مطالبه خسارت نیست. اما اگر در اثر بهم خوردن نامزدی بدون علت موجه به حیثیت و آبروی نامزدی اگر لطمه وارد شود نامزد زیان دیده می‌تواند علاوه بر جبران خسارت مادی، جبران خسارت معنوی را نیز بخواهد.
- اگر نامزدی که بدون عذر موجه نامزدی را به هم زده است بمیرد، جبران خسارت بر عهده وراثت متوفی است.
- اگر یکی از نامزدها از دیگری گواهی صحت از امراض مسریه مهم مطالبه کند و دیگری از ارائه گواهی خودداری نماید و مطالبه کننده نامزدی را به هم بزند، طرف مقابل نمی‌تواند طلب جبران خسارت نماید.

پس گرفتن هدایا

- هدیه بر حسب عرف و عادت یک نوع هبه است و هبه قراردادی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کسی تملیک می‌کند. در مواردی قواعد هدایای نامزدی تابع احکام هبه نیست.

استرداد هدایا در صورت به هم خوردن نامزدی

- مطابق ماده ۱۰۳۷ ق.م، هر یک از نامزدها می‌تواند در صورت به هم خوردن وصلت هدایایی را که به طرف مقابل داده است مطالبه کند و در صورت نبودن عین هدایا مستحق قیمت آن خواهد بود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد. مفاد این ماده از حیث رجوع به قیمت در صورتی که وصلت در اثر فوت یکی از نامزدها بهم خورد مجری نخواهد بود. بنابراین:

۱- هدایایی که عادتاً نگه داشته نمی‌شود و مصرف شدنی است: اگر بهم خوردن نامزدی با علت موجه باشد قابل استرداد نیستند مانند شیرینی و عطر. مشهور اساتید معتقدند در صورت بهم خوردن نامزدی بدون علت موجه از باب مسئولیت مدنی بهای این هدایا قابل استرداد است.

۲- هدایایی که عادتاً نگه داشته می‌شود و مصرف شدنی نیست:

۱. موردی که عین هدیه باقی باشد: عین هدیه قابل استرداد است.

۲. موردی که عین هدیه تلف شده باشد:

- اگر هدیه با تقصیر گیرنده تلف شده باشد : قیمت هدیه قابل مطالبه است.
- اگر هدیه بدون تقصیر گیرنده تلف شده باشد: قابل استرداد نیست . در صورت ادعای تقصیر اثبات تقصیر بر عهده هدیه دهنده است.

۳. موردی که بهم خوردن نامزدی ناشی از فوت یکی از نامزدها باشد:

- اگر عین هدیه باقی باشد: قابل استرداد است. وارثان نامزد متوفی نیز حق رجوع دارند.
- اگر عین تلف شده باشد: قیمت هدیه قابل مطالبه نیست هر چند تلف با تقصیر باشد. وارثان نامزد متوفی نیز حق رجوع ندارند.

۴. موردی که هدیه از طرف نزدیکان داده شده باشد: قابل استرداد نیست مگر در مواردی که رجوع از هبه ممکن است.

۵. موردی که هدیه به نزدیکان داده شده باشد: قابل استرداد است.

- اگر یکی از نامزدها عکس یا نامه به هم داده باشد در صورت بهم خوردن نامزدی نمیتوان او را مجبور به پس دادن نامه کرد ولی اگر از نامه های دریافتی سوء استفاده نماید مسئول و مکلف به جبران خسارت است.

شرایط ازدواج

لزوم اختلاف جنسیت در ازدواج

- لزوم اختلاف جنس در ازدواج نکاح بین دو همجنس باطل است. ازدواج دو یا چند مرد یا ازدواج دو یا چند زن ممنوع و باطل است. ازدواج فقط مابین زن و مرد صحیح است.
- هر گاه نکاح بین دو همجنس بسته شده باشد ابطال آن توسط دادگاه و ارجاع امر به نظر کارشناس (پزشک) صورت می گیرد.
 - در صورتی که بعد از ازدواج تغییر جنسیت صورت گیرد و هر دو طرف هم جنس شوند نیز حکم ابطال آن توسط دادگاه و نظر کارشناس می باشد.

اراده (قصد و رضا)

- نقش اراده در ازدواج اراده از ارکان عقد نکاح است و اراده باطنی برای تحقق نکاح کافی نیست و باید به طریق معتبر در قانون ابراز شود.
- نکاح عقدی است غیر مالی ، لازم ، رضایی ، که صرف اراده باطنی برای انعقاد آن کافی نیست و باید اراده با الفاظ اعلام گردد بنابراین نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید. نکاح با کتابت و اشاره جز در مورد شخص لال و بطور ضمنی و معاطات واقع نمی شود. (ماده ۱۰۶۲ ق.م)

عیوب اراده در ازدواج

- اشتباه: اشتباه در نکاح ، تصور نادرستی است که یکی از زوجین در هویت جسمی یا در اوصاف طرف دیگر یا در مهر دارد.
- اشتباه در هویت جسمی: اشتباه در هویت جسمی آن است که شخصی به جای دیگری طرف عقد قرار گیرد. مطابق ماده ۱۰۶۷ ق.م. تعیین زن و شوهر بنحوی که برای هیچیک از طرفین در هویت جسمی شخص طرف دیگر بوسیله اشاره یا ذکر مشخصات و یا مشاهده ، شبهه نباشد شرط صحت نکاح است. اشتباه در مورد هویت جسمی موجب بطلان نکاح است.

اشتباه در اوصاف

- اشتباه در وصف اساسی موجب فسخ است.
- اگر یکی از طرفین در وصف طرف دیگر اشتباه کند مثلاً مرد تصور کند زن دارای هنر خاصی است یا زن تصور کند که مرد دارای شغل یا مقام خاصی است و بعداً کشف کند که فاقد وصف مزبور است ، این اشتباه موجب بطلان نکاح نیست بلکه برای اشتباه کننده حق فسخ ایجاد می کند مشروط بر اینکه وجود وصف خاص در طرف صریحاً در عقد ذکر شده یا طرفین بر آن تبانی کرده باشند.

- هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد و صف مقصود بوده همچنین در موردی تدلیس شده باشد برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده مثلاً شغل یا سواد عالیه یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد مثل باکره بودن .

اکراه در نکاح

■ اکراه عبارت از فشار غیرعادی و نامشروعی است که به منظور وادار ساختن شخص بر انشاء عمل حقوقی وارد می شود و آزادی تصمیم گرفتن و استقلال اراده را از او می گیرد، به گونه ای که شخص در حالت عادی چنین عملی انجام نمی داد ، اکراه، اراده آزادانه تحقق نیافته است و مطابق ضابطه نوعی به اعمالی حاصل می شود که ممکن است ایجابی (مانند تهدید به انجام دادن کار زیان بار) یا فعل سلبی (مثل تهدید پز شک مبنی بر انجام ندادن عمل جراحی در صورت عدم پرداخت مبلغی بیش از حق قانونی) یا تهدید ضمنی باشد (یعنی انجام اعمال غیرمستقیم تا حدی که مجرد خوف از کسی نباشد) که موثر در شخص با شعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند بنحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد که اگر قبل تحمل باشد اکراه نخواهد بود و مطابق ضابطه شخصی در مورد اعمال اکراه آمیز سن و شخصیت و اخلاق و مرد یا زن بودن شخص باید در نظر گرفته شود و این ضابطه بر ضابطه نوعی ترجیح دارد.

■ شرایط تحقق اکراه

۱- وجود عمل تهدید آمیز غیر قانونی و نامشروع (نه قانونی و مشروع مثل تهدید به شکایت در مراجع قضایی) به وسیله دیگری بر علیه جان و مال و آبروی تهدید شونده یا خویشان نزدیک و کسانی که معامله کننده از تهدید آنها متأثر می شود.

۲- ایجاد خوف و وحشت عملی در شخص مکره نه مجرد خوف از کسی.

۳- وجود رابطه سببیت بین اکراه و عمل حقوقی.

■ اگر اکراه به درجه ای نباشد که اراده را سلب کند مثلاً شخصی را با تهدید به قتل یا اخراج از منزل برای عقد نکاح تحت فشار قرار دهند این نکاح نافذ است و شخص مکراه پس از رفع اکراه می تواند آن را تنفیذ یا رد کند، ولی اگر اکراه به درجه ای باشد که اراده را سلب کند و قصد را از میان ببرد مثلاً شخصی را به زور گرفته و اثر انگشت او را زیر سند ازدواج بگذارند اینگونه اکراه موجب بطلان نکاح و تنفیذ بعدی آن را تصحیح نمی کند.

تعلیق در ازدواج

عقد معلق قراردادی است که تاثیر آن موقوف به امر خارجی و احتمالی در آینده است و تا آن امر محقق نشود عقد اثر کامل خود را به بار نمی آورد. تعلیق در عقد ازدواج موجب بطلان عقد است، مثلاً اگر زنی با مردی ازدواج کند به شرط اینکه لیسانس حقوق بگیرد یا فلان ملک را به او بدهد این نکاح باطل است.

■ تعلیق نکاح به شرایط صحت آن صحیح است.

■ تعلیق در مهر ازدواج موقت چون مهر شرط صحت آن است موجب بطلان نکاح موقت است.

اظهار اراده

لزوم اظهار اراده وجود اراده در نکاح و قراردادهای دیگر به تنهایی کافی برای تحقق قرارداد نیست بلکه اراده باید بیان و اظهار شود. نحوه اظهار اراده نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید. نکاح با کتابت و اشاره جز در مورد شخص لال و بطور ضمنی و معاطات واقع نمی شود. طرف ایجاب را موجب و طرف قبول را قابل گویند. ماده ۱۰۶۲ ق.م. عمل جنسی و معاشرت زن و مرد صریح در اراده نکاح و موجه رابطه زناشویی نیست.

- مطابق ماده ۱۰۶۶ ق.م.م. هرگاه یکی از متعاقدين يا هر دو لال باشند عقد به اشاره صرفاً از طرف لال نیز واقع می‌شود مشروط بر اینکه بطور وضوح حاکی از انشا عقد باشد.
- در حقوق جدید لازم نیست ایجاب و قبول به زبان عربی باشد و به هر زبانی ممکن است واقع شود.
- اگر سکوت دختر باکره همراه با دلایلی باشد که دلالت بر رضا کند باید آن را اذن دانست.
- الفاظ ایجاب و قبول اگر قرینه ای وجود داشته باشد می‌توانند به صورت غیر ماضی برای انشاء بکار روند و ماضی بودن آنها شرط نیست.
- در عقد نکاح ایجاب از طرف زن و قبول از طرف مرد واقع می‌شود. در حقوق جدید هم مانعی به نظر نمی‌رسد که نخست مرد اراده خود را بر نکاح اعلام کند و سپس زن خود بیان نماید.
- مطابق ماده ۱۰۶۵ ق.م. توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است. مقصود از توالی چنانچه فقهای امامیه گفته‌اند آن است که فاصله بین ایجاب و قبول از حد متعارف بیشتر نباشد.
- توالی چنانچه ماده ۱۰۶۵ ق.م. نکاح با هر لفظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید واقع می‌شود و نیاز به تشریفات دیگری ندارد ولی قانونگذار برای اثبات نکاح، ثبت نکاح در دفتر ازدواج را لازم شمرده است.

ثبت ازدواج

لزوم ثبت ازدواج و طلاق

- ثبت موارد زیر الزامی است: نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق. (ماده ۲۰ ق.ح.خ)
- نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرا می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت آن در موارد زیر الزامی است:
 - ۱- باردارشدن زوجه
 - ۲- توافق طرفین
 - ۳- شرط ضمن عقد
- چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.
- دفاتر رسمی ثبت ازدواج و طلاق مکلفند مطابق تصمیمات سازمان ثبت اسناد و املاک کشور وقایع نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق را علاوه بر ثبت در دفتر مربوط، در سامانه مربوط نیز منعکس نمایند.
- هر گاه سردفتر ازدواج و طلاق مطابق قانون و آیین نامه یکی از وقایع موضوع قانون را بدون حضور یکی از طرفین ثبت کند مکلف است بلافاصله موضوع را کتباً به طرف دیگر ابلاغ کند.

گواهینامه تندرستی

- از جمله تشریفات لازم برای ثبت نکاح که شرط درستی ازدواج نمی‌باشد و تهیه و تنظیم گواهینامه تندرستی است.
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است بیماری‌هایی را که باید طرفین پیش از ازدواج علیه آنها واکسینه شوند و نیز بیماری‌های واگیردار و خطرناک برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را معین و اعلام کند. دفاتر رسمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح گواهی صادر شده از سوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلاء به بیماری‌های موضوع این ماده و یا واکسینه شدن طرفین نسبت به بیماری‌های مذکور را از آنان مطالبه و بایگانی کنند.

- وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مکلف است فهرست بیماری های موضوع صدر ماده ۲۳ قانون و هرگونه تغییری که در فهرست مذکور متعاقباً ایجاد گردد را تعیین و به سازمان اسناد و املاک کشور اعلام کند. سازمان یاد شده پس از وصول فهرست مذکور، مراتب را به دفتر اسناد رسمی ثبت ازدواج ابلاغ می کند. نظارت و پیگیری بر این امر بر عهده سازمان مذکور می باشد.
- دفتر رسمی ثبت ازدواج پس از دریافت گواهی واکسینه شدن نسبت به بیماری های مزبور و گواهی عدم اعتیاد زوجین به مواد مخدر و عدم ابتلا به بیماری های مذکور، اقدام به ثبت ازدواج می نمایند.
- چنانچه گواهی صادر شده بر وجود بیماری و یا اعتیاد به مواد مخدر دلالت کند، ثبت نکاح در دفتر رسمی ازدواج، در صورت درخواست کتبی آنان مبنی بر ثبت ازدواج علیرغم بیماری و یا اعتیاد به مواد مخدر، بلامانع است.
- چنانچه گواهی صادر شده بر وجود بیماری های مسری و خطرناک مذکور در فهرست یاد شده دلالت کند، طرفین جهت مراقبت و نظارت توسط دفتر رسمی ثبت ازدواج به مرکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معرفی می شوند. دفتر مذکور پس از تأیید مرکز یاد شده مبنی بر انجام مراقبت لازم، نسبت به ثبت ازدواج اقدام می کند.
- در مورد بیماری خطرناک که منجر به خسارت جنین باشد باید علاوه بر مراقبت و نظارت به شرح فوق، نسبت به جلوگیری از بچه دار شدن، پیشگیری مؤثری را تحت نظارت مراکز یاد شده و پزشک متخصص انجام و نتیجه را به مراکز مزبور ارائه دهند. در صورت تأیید مراکز فوق مبنی بر انجام اقدامات فوق دفتر رسمی ازدواج نسبت به ثبت ازدواج اقدام می کند.
- گواهی عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلا به بیماری های موضوع ماده ۲۳ قانون باید توسط مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صادر گردد والا اعتبار نخواهد داشت.
- مطابق تصویب نامه هیات وزیران مصوب ۱۳۷۶ آزمایش تشخیص ناقلین تالاسمی اجباری است و دفاتر ازدواج باید گواهی مربوط را از نامزدها مطالبه کنند.
- چنانچه گواهی صادرشده بر وجود اعتیاد و یا بیماری دلالت کند، ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است. در مورد بیماری های مسری و خطرناک که نام آنها به و سیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می شود، طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین شده معرفی می شوند. در مواردی که بیماری خطرناک زوجین به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منجر به خسارت به جنین باشد، مراقبت و نظارت باید شامل منع تولید نسل نیز باشد.
- قانون حمایت از خانواده ۱۳۵۳ علاوه بر گواهینامه تندرستی، مطالبه گواهی صحت مزاج را نیز پیش بینی کرده است.
- تخلف سر دفتر ازدواج از مقررات مربوط به گواهی ازدواج تخلف انتظامی محسوب می شود.

وکالت در ازدواج

- وکالت در نکاح** در نکاح ممکن است اظهار اراده از طریق نمایندگی صورت گیرد. هر یک از زن و مرد می توانند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهند (ماده ۱۰۷۱ ق.م).
- ۱- **وکالت مطلق:** در صورتی که وکالت به طور اطلاق داده شود وکیل نمی تواند موکله را برای خود تزویج کند. مگر اینکه این اذن صریحاً به او داده شده باشد (ماده ۱۰۷۲ ق.م). اگر مردی به زنی به طور مطلق وکالت داده باشد که زنی را برای او بگیرد، زن نمی تواند خود را به عقد موکلش در آورد مگر اینکه این اذن صریحاً به او داده شده باشد.
- ۲- **وکالت عام:** اگر وکالت به صورت عام باشد، چنانچه زن بگوید: تو می توانی مرا به عقد هر کس که مایل باشی درآوری، همانند وکالت مطلق وکیل نمی تواند موکله را برای خود بگیرد.
- **تجاوز وکیل از اختیارات خود:**
 - مطابق ماده ۱۰۷۳ ق.م. اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تجاوز نماید، نکاح فضولی و غیر نافذ و صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.

- ممکن است وکالت بدون قید باشد و وکیل مصلحت موکل را در حدود متعارف مراعات نکند، مثلاً زنی را که از لحاظ معلومات و وضع اجتماعی مناسب موکل نیست برای او تزویج نماید که در این صورت نیز عقد غیرنافذ و صحت آن منوط به تنفیذ موکل است.
- مراعات مصلحت موکل معیار دقیق و مشخصی ندارد و دادرس باید برای تشخیص مصلحت به عرف مراجعه کند.
- **شرایط وکیل**
- مطابق ماده ۱۰۶۴ ق.م. عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد. مقصود از عاقد کسی است که صیغه عقد نکاح را جاری می کند، اعم از اینکه برای خود باشد یا دیگری.
- ممکن است وکالت بدون قید باشد وکیل مصلحت موکل را در حدود متعارف مراعات نکند، مثلاً زنی را که از لحاظ معلومات و وضع اجتماعی مناسب موکل نیست برای او تزویج نماید که در این صورت نیز عقد غیر نافذ و صحت آن منوط به تنفیذ موکل است.
- در نکاح یک نفر می تواند به وکالت از زوجین یا وکالتاً از یک طرف و اصالماً از جانب خود صیغه نکاح را جاری سازد زیرا در عقد تعدد اعتباری اراده کافی است.

شروط ضمن عقد ازدواج

شروط ضمن عقد ازدواج

- در نکاح مانند دیگر قرار داد ممکن است اراده به پاره ای تعهدات فرعی که خارج از عناصر اصلی قرارداد است تعلق گیرد، این تعهدات فرعی را شروط ضمن عقد گویند. مثلاً در نکاح شرط شود که زن یا شوهر وصف خاصی داشته باشد.
- عقود که شرطی ضمن آن شده است عقد مشروط یا مقرون به شرط نامیده می شود که عقدی منجز است و نباید آن را با عقد معلق اشتباه کرد چون آثار خود را به محض انعقاد به بار می آورد.
- **اقسام شرط ضمن عقد** شروط ضمن عقد نکاح را به باطل و صحیح می توان تقسیم کرد:
- **شروط باطل:** شروط باطل گاهی مفسد عقد نیست زیرا به ارکان عقد لطمه نمی زند ولی گاهی موجب بطلان عقد است چه به ارکان عقد لطمه می زند و موجب فقدان یکی از عناصر اساسی قرارداد می گردد.
- **شروطی که باطل است ولی مبطل عقد نیست:**
 - ۱- **شروط غیرمقدور:** شرطی که انجام آن در توان افراد متعارف نباشد. مثلاً ضمن نکاح شرط شود که شوهر مرده ای را زنده کند یا زبان خارجی در یک روز به طور کامل به زن بیاموزد که این شروط باطل ولی عقد صحیح است.
 - ۲- **شروط بی فایده:** شرطی که نفع و فایده عقلایی نداشته باشد که تشخیص آن با عرف است. مثلاً شرط شود یکی از همسرها مسافت بین تهران و کرج را پیاده یا با شتر بپیماید.
 - ۳- **شروط نامشروع:** شرطی که مخالف قواعد آمره باشد. قواعد آمره مربوط به نظم عمومی است و مصلحت عمومی در آن مورد نظر است. مصادیق شروط نامشروع در نکاح:
 ۱. شرط خیار در نکاح: شرط خیار آن است که اختیار فسخ نکاح برای یکی از زوجین یا شخص ثالث ضمن عقد شرط شود. شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار شرط نسبت به صداق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده است. نکاح قراردادی مهم و منشاء تشکیل خانواده است و بقاء خانواده همیشگی مورد نظر قانونگذار است لذا شرط خیار در نکاح باطل و در سایر قراردادها صحیح است.
 ۲. هر گاه شرط شود که اگر شوهر مهر زن خود را در تاریخ معینی ندهد، زن حق فسخ نکاح را داشته باشد یا نکاح خود به خود منحل شود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.

۳. هر گاه در نکاح شرط شود که زن سابق شوهر مطلقه باشد چون طلاق شرایط و تشریفات خاصی دارد لذا چنین شرطی باطل است. همینطور است اگر شرط شود که حق طلاق منحصرأً با زن است. اگر ضمن عقد شوهر برای طلاق به زن وکالت دهد این شرط درست است.

۴. هرگاه زن بر شوهر شرط کند که حق ندارد به منزل زن قبلی خود برود یا با او نزدیکی کند.

۵. هرگاه زن بر شوهر شرط کند که حق حضانت یا ولایت بر اطفال خود را نداشته باشد.

۶. هرگاه شرط شود که زن حق نفقه نداشته باشد.

۷. هرگاه شرط شود که زن در اعمال و معاشرتهای خود کاملاً آزاد باشد.

۸. هرگاه شرط شود که ریاست خانواده با زن باشد.

۹. هرگاه شرط شود که شوهر حق ندارد زن دیگری بگیرد.

- شروطی که باطل و مبطل عقد است: مطابق ماده ۲۳۳ ق.م. شروط ذیل باطل و موجب بطلان عقد است:

۱- شرط مجهولی موجب جهل به عوضین شود.

۲- شروط خلاف مقتضای ذات عقد:

- شرط خلاف مقتضای عقد شرطی است که با آنچه ذات و طبیعت عقد اقتضا دارد منافات داشته باشد. چنانچه در نکاح شرط شود که شوهر یا زن وظایف زوجیت را انجام ندهد یا رابطه زوجیت بین آنها پدید نیاید چنین شرطی هم باطل و هم موجب باطل شدن عقد است.

- آنچه باطل و مبطل عقد به شمار می آید شرط خلاف مقتضای ذات عقد است نه شرط خلاف مقتضای اطلاق عقد. برای مثال اگر در نکاح شرط شود اختیار مسکن با زن باشد شرط صحیح است.

▪ شروط صحیح: شروط به شرط صفت، شرط نتیجه و شرط فعل تقسیم می شود.

✍ شرط صفت:

- منظور از این شرط در نکاح این است که وجود صفت خاصی در یکی از زوجین یا در مهر شرط شده باشد. مثلاً شرط شده باشد که مرد دارای درجه لیسانس باشد که در صورت تخلف شرط، مشروط له می تواند نکاح را فسخ کند.

- هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد. (ماده ۱۱۲۸ ق.م.)

✍ شرط نتیجه:

- شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود، مثل اینکه در نکاح شرط شود که شوهر مالک مال معینی شود که متعلق به زن است.

- کاربرد شرط نتیجه در نکاح در ایران بیشتر مربوط به شرط وکالت برای طلاق است. لازم به توضیح است زن حتی با داشتن این وکالت بدون مراجعه به دادگاه و عدم اخذ گواهی عدم سازش نمی تواند با استناد به این وکالت طلاق بگیرد.

- هرگاه امری که تحقق آن به صورت شرط نتیجه مورد نظر بوده حاصل نشود مثلاً انتقال مال مورد شرط بنا به دلایلی به شوهر امکانپذیر نباشد، نمی توان برای مشروط له خیار فسخ قائل شد و فقط می تواند اجبار به انجام شرط را بخواهد یا از متعهد مطالبه خسارت نماید.

✍ شرط فعل:

- شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از طرفین یا بر شخص خارجی شرط شود، چنانچه در نکاح شرط کنند که اگر شوهر زن دیگری اختیار کند یا زن خود را طلاق دهد مبلغی به او بپردازد.

- چنانچه در نکاح شرط شود که شوهر با زن نزدیکی نکند این شرط مشروع و نافذ است، لیکن کسی که شرط به نفع اوست می تواند بعد از عقد از شرط صرفنظر کرده اجازه نزدیکی دهد.

- ضمانت اجرای شرط فعل این است در عقد نکاح در صورت تخلف از شرط فعل در صورتی که زیانی از جهت تخلف شرط به مشروط له وارد شده باشد می تواند جبران خسارت را از مشروط علیه بخواهد ولی حق فسخ ندارد.

▪ **شروط ضمن عقد مندرج در قباله های ازدواج:** این شروط در دفاتر ثبت و همچنین در قباله های ازدواج چاپ شده که طرفین با امضای ذیل هر یک از آنها، بعضی یا کل آنها را می پذیرند. این شروط شامل شرط انتقال تا نصف دارایی و شرط وکالت بلاعزل برای طلاق در پاره ای موارد است.

✍ شرط انتقال تا نصف دارایی:

- تحقق این شرط زمانی است که طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق او نبوده، در این صورت زوج مکلف است تا نصف دارایی را که در ایام زناشویی با او بدست آورده یا معادل آن را به زوجه بدهد.

- شرط انتقال در صورتی که به امضای زوجین برسد، تعهد انتقال و تملیک مجانی و بلاعوض با تحقق ارکان و شرایط مربوط ایجاد می گردد. چنین شرطی، شرط فعلاست و عمل موضوع تعهد، عمل حقوقی است و دارای ضمانت اجرای حقوقی می باشد.

- یکی از اشکالات مهم این شرط آن است که حداکثر تکلیف شوهر را مشخص می کند بدون اینکه حداقل آن معلوم باشد و تعیین میزان اموال مورد تکلیف با دادگاه است. اشکال دیگر این شرط مجهول بودن موضوع آن است به این معنی که در حین عقد، دارایی مشمول تعهد وجود خارجی ندارد که در این زمینه می توان گفت چنین شرطی موجب غرور و خطر نیست و به وسیله دادگاه قابل تعیین است.

- **وکالت بلاعزل در پاره ای موارد:** مواردی که زن می تواند حسب مورد از دادگاه تقاضای صدور اجازه طلاق نماید به شرح زیر است:

- ۱- استنکاف شوهر از دادن نفقه به مدت ۶ ماه به هر عنوان و وفا نکردن به سایر حقوق واجبه زن به مدت ۶ ماه.
- ۲- سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی برای زوجه غیر قابل تحمل باشد.
- ۳- ابتلاء زوج به امراض ضعیب الاعلاج، به نحوی که از ادامه زناشویی برای زوجه به خطر آید.
- ۴- جنون زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعاً ممکن نباشد.
- ۵- عدم رعایت دستور دادگاه مبنی بر منع اشتغال زوج به شغلی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد.
- ۶- محکومیت زوجه به مجازات ۵ سال حبس یا بیشتر.
- ۷- ابتلاء زوجه به هر گونه اعتیاد مضر که به زندگی خانوادگی خلل وارد آورد.
- ۸- محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب به جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی زوجه باشد.
- ۹- در صورتی که پس از گذشت ۵ سال به سبب عقیم بودن یا عوارض جسمی دیگر زوج، زوجه صاحب فرزند نشود.
- ۱۰- در صورتی که زوج مفقود الاثر شود و ظرف ۶ ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.
- ۱۱- زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید.

اهلیت برای ازدواج

لزوم اهلیت یکی از شرایط نکاح اهلیت است یعنی طرفین باید توانایی قانونی برای عقد نکاح داشته باشند.

سن بلوغ

- بلوغ در لغت رسیدن به چیزی است و در اصطلاح فقهی رسیدن به سنی است که غریزه جنسی در آن به حد کافی رشد کرده و شخص آماده تولید مثل می گردد.
- در فقه امامیه سن بلوغ برای دختر ۹ سال تمام قمری و برای پسر ۱۵ سال تمام قمری است که علاوه بر این شرایط دختر و پسر باید رشید باشند یعنی بتوانند مصلحت خود را تشخیص دهند.
- قانون مدنی در خصوص سن ازدواج از فقه امامیه پیروی کرده است. (دختر ۹ و پسر ۱۵ سال).
- نکاح قبل از بلوغ ممنوع است ولی اگر با اجازه ولی صورت گیرد به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح است.
- بلوغ معتبر در حقوق امروز همان بلوغ طبیعی، جنسی و فیزیولوژیکی است.
- ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع و دارای مجازات می باشد.

سن ازدواج

- عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی یعنی پدر و جد پدری (نه مادر و جد مادری و سایر اقربا) به شرط و با اثبات رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح. (ماده ۱۰۴۱ ق.م)
- مرجع تشخیص مصلحت دادگاه است (نه ولی) اگر دادگاه تشخیص داد ازدواج به مصلحت نیست مانع ازدواج می شود. مطابق اصول حقوقی ازدواج بدون احراز مصلحت از سوی دادگاه غیر نافذ است و با تایید بعدی دادگاه اشکال آن رفع می شود.
- هرگاه مردی برخلاف مقررات این ماده ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. هرگاه ازدواج مذکور به موقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به موقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می شود.

ولایت در ازدواج

- ولایت پدر و جد پدری: مقصود از ولی همان ولی قهری یعنی پدر و جد پدری است. در مورد و صی منصوب از سوی پدر و جد پدر و قیم، قول مشهور فقها بر عدم ولایت است که قانون مدنی نیز آن را پذیرفته است.
- اجازه پدر و جد پدری در ازدواج باکره
 - نکاح دختر باکره، اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری است و در صورت مضایقه پدر یا جد پدری بدون علت، اجازه او ساقط و انجام نکاح طی مراحل توسط دادگاه مدنی خاص صورت می گیرد.
 - اگر دختر باکره یک بار شوهر کرده و قبل از نزدیکی جدا شده باشد، برای ازدواج دوم نیاز به اجازه ولی دارد.
 - در فقه، باکره به دختری گفته می شود که بکارت او از راه مواقعه زایل نگردیده باشد و اگر بکارت دختر از طریق غیر مواقعه از بین برود چنین دختری باکره یا در حکم اوست.
 - در صورتی که بکارت با مواقعه زایل گردد ولایت پدر و جد پدری ساقط می گردد.
 - هرگاه زنی شوهر اختیار کند ولی به علت عدم مواقعه یا حتی با مواقعه بکارت او زایل نشده باشد دختر باکره به شمار می آید ولی اگر دختری در اثر مواقعه شرعی بکارتش زایل شود چنین زنی باکره نیست و به او ثبیه می گویند.
- حدود ولایت در ازدواج دختر باکره: از آنجا که ولایت بر ازدواج دختری که به سن بلوغ رسیده خلاف اصل است حدودی برای آن در نظر گرفته شده است:

۱- فقط پدر و جد پدری دارای چنین اختیاری است و موافقت یکی از آنها کافی است و در صورت حجر آنها اجازه از شخص دیگری مانند قیم لازم نیست و در صورت فوت پدر و جد پدری کسب اجازه از دیگری لازم نیست. در صورتی نیز که پدر و جد پدری غایب باشند دختر حق دارد آزادانه ازدواج کند.

۲- اجازه پدر و جد پدری فقط در مورد ازدواج دختری لازم است که باکره باشد، در صورتی که دختر بدون ازدواج یا در اثر ازدواج باطل با عمل جنسی بکارت خود را از دست دهد کسب اجازه لازم نیست. دخول و ازاله بکارت چه مشروع باشد چه نامشروع موجب سقوط ولایت پدر است و مشروعیت دخول قبل از عقد شرط سقوط ولایت پدر نیست.

۳- در صورت سوء استفاده پدر و جد پدری از اختیار خود و ندادن اجازه بدون علت، دختر می تواند بدون کسب اجازه و با موافقت دادگاه ازدواج نماید.

۴- در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز غیر ممکن باشد دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد وی می تواند اقدام به ازدواج نماید. ثبت این ازدواج در دفتر خانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدنی خاص می باشد. این امر مبتنی بر قاعده لا ضرر و قاعده عسر و حرج است. (ماده ۱۰۴۴ ق.م. و تبصره آن)

ازدواج دختری که به سن بلوغ رسیده بدون اجازه پدر و جد پدری غیر نافذ است. چنانچه پدر برای ابطال ازدواج دادخواستی تقدیم کند نیازی به آوردن دلیل بر موجه بودن مخالفت خود ندارد و مطابق اصل ولایتی که پدر و جد پدری بر دختر دارد کافی است وقوع ازدواج بدون موافقت خود را ثابت کند و چنانچه دختر ثابت نماید که علت ضمانت پدر ناموجه بوده است دادگاه حکم به نفوذ ازدواج می دهد که حکم دادگاه در این مورد حکم اعلامی خواهد بود.

ازدواج غیر رشید

غیر رشید کسی است که تصرف او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد و نیاز به اذن ولی یا قیم دارد.

در مورد صحت ازدواج سفیه بدون اذن ولی یا قیم قانونی مدنی ساکت است ولی چون ازدواج دارای پاره ای آثار مالی مانند مهر و نفقه است ازدواج سفیه بدون اذن ولی یا قیم غیر نافذ خواهد بود و قانون مدنی نیز این نظر را پذیرفته است.

ازدواج مجنون

ازدواجی که به وسیله خود مجنون در حال جنون واقع شده باشد باطل است، ولی ممکن است ازدواج در بهبود مجنون تاثیر داشته و برای او لازم باشد و لذا نماینده قانونی مجنون (قیم) می تواند برای او عقد نکاح بین که برای تحقق این امر دو شرط لازم است:

۱- پزشک ازدواج را لازم بداند.

۲- دادستان با این امر موافقت کند.

در صورتی که ولی قهری یا وصی بخواهد به ازدواج مجنون اقدام کند اجازه دادستان لازم نیست.

در ازدواج مجنون ادواری ولی یا قیم نمی تواند در مورد ازدواج مجنون ادواری اقدام کند لیکن خود مجنون در حال افاقه او در زمان عقد نکاح مسلم باشد.

اجازه دولت برای ازدواج با بیگانگان

ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه

ازدواج زن ایرانی با تبعه ی خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه ی مخصوص از طرف دولت است. این اجازه پروانه زناشویی نامیده می شود که مقام صالح برای صدور این پروانه وزارت کشور است. (مطابق ماده ۱۰۶۰ ق.م).

هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه و بر خلاف سایر مقررات قانونی با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می شود. (ماده ۵۱ ق.ح.خ)

از لحاظ حقوقی می توان گفت ازدواج بدون پروانه فرد خارجی با زن ایرانی نافذ است و دولت نمی تواند آن را ابطال کند.

ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با بیگانگان

دولت می تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجه باشد موکول به اجازه ی مخصوص نماید.

- مطابق ماده واحده ۱۳۴۵، ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه و یا کسانی که قبلاً بر اثر ازدواج به تابعیت ایران در آمده اند ممنوع شده است. این قاعده دارای جنبه سیاسی و از نظر مصلحت دولت وضع شده است.
- ضمانت اجرای اینگونه ازدواج این است که کارمندان متخلف صلاحیت ادامه خدمت در وزارت امور خارجه را نخواهند داشت و از خدمت منفصل و ممنوع می شوند ولی ازدواج آنها درست و نافذ است.

موانع ازدواج

تعریف و ذکر موانع موانع نکاح اموری است که عدم آنها در نکاح شرط است و وجود آنها مانع صحت ازدواج می باشد موانع نکاح را شرایط منفی ازدواج نیز می نامند. این موانع عبارتند از: شوهر داشتن، داشتن چهار زن دائمی، عده زن، قرابت در حدود معین، مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق، کفر، لعان و احرام.

شوهر داشتن شوهر داشتن زن یکی از موانع نکاح است و ازدواج با زن شوهر دار ضمانت اجرای کیفری و مدنی دارد.

■ ازدواج با زن شوهردار (مواد ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ ق.م.)

- هر کس زن شوهر دار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام ابدی می شود.
- اگر عقد از روی جهل به زوجیت و حرمت نکاح بوده نزدیکی هم واقع شده باشد. در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی شود.
- در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی شود یعنی پس از انحلال نکاح اول، زن می تواند با آن مرد ازدواج کند.

■ زنا با زن شوهردار: زنا با زن شوهردار یا زنی که در عده رجعه است موجب حرمت ابدی است.

- زانیه حتی در صورت انحلال نکاح با شوهر خود، نمی تواند با زانی ازدواج کند.
- حرمت ابدی ناشی از زنا با زن شوهر دار اعم از این است که مرد در حال زنا عالم به شوهر داشتن باشد یا نه و اعم از اینکه زن نیز زناکار محسوب شود یا عمل او ناشی از اشتباه یا اکراه باشد.
- اگر زن زانیه و مرد واطی به شبهه باشد حرمت ابدی حاصل نخواهد شد.
- اگر مرد مکره به زنا با زن شوهر دار شود حرمت ابدی پدید نخواهد آمد.

- **ضمانت اجرای کیفری:** ازدواج با زن شوهردار جرم است و اگر منجر به مواقعه نگردد طرفین این عقد باطل به شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهند شد و عاقد در این زمینه به شش ماه تا سه سال حبس یا از سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد و اگر سردفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید. (مواد ۶۴۳ و ۶۴۴ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)

داشتن چهار زن دائمی

- در حقوق اسلامی تعدد زوجات به چهار زن دائمی محدود شده و استیفاء عدد از موانع نکاح می باشد. این منع در قانون مدنی صریحاً ذکر نشده است. تعدد زوجات در کشورهای غربی ممنوع و برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است.
- **استیفاء عدد:** استیفاء عدد در اصطلاح فقهی آن است که مرد چهار زن دائمی داشته باشد و دیگر نمی تواند پنجمی به عقد دائم بگیرد.

■ تعدد زوجات در قانون مدنی:

- در قانون مدنی ایران با توجه به مبانی فقهی و عرف و سنت مردم تعدد زوجات منع نشده است.
- مطابق ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، مرد نمی تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر: ۱- رضایت همسر اول ۲- عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی ۳- عدم تمکین زن از شوهر ۴- ابتلاء زن به جنون یا

- امراض صعب العلاج ۵- محکومیت زن ۶- ابتلاء زن به هر گونه اعتیاد مضر ۷- ترک زندگی خانوادگی از طرف زن ۸- عقیم بودن زن ۹- غایب مفقودالاثر شدن زن.
- اگر مرد زن داری بخواهد با زن دیگری به عقد منقطع ازدواج کند اجازه دادگاه برای ازدواج لازم است.
 - هر گاه مردی با اجازه دادگاه زن دیگری بگیرد و بعد از مدتی ازدواج دوم به علت طلاق یا فوت زن منحل شود شوهر نمی تواند با همان اجازه نامه همسر دیگری اختیار کند.
 - مطابق نظر شورای نگهبان مجازات برای ازدواج مجدد بدون اجازه غیر شرعی است، لذا امروزه در عمل ازدواج مجدد بدون اجازه دادگاه فاقد ضمانت اجرای کیفری است مگر اینکه متخلف از لحاظ عدم ثبت ازدواج مجرم شناخته شود، از لحاظ مدنی هم ازدواج معتبر و نافذ شناخته می شود.
 - هرگاه مرد زن داری بدون اجازه دادگاه همسر دیگری اختیار کند این ازدواج درست است.
 - در عده طلاق بائن چون رابطه نکاح منحل شده مرد برای ازدواج مجدد نیاز به اجازه دادگاه ندارد ولی در عده طلاق رجعی و خلع و مبارات مرد بدون اجازه دادگاه نباید ازدواج کند.
- عده زن** در عده بودن زن یکی از موانع نکاح به شمار می آید.
- **عده:** عبارتست از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند. (ماده ۱۱۵۰ ق.م).
 - **مقررات عده** در حقوق ایران از فقه امامیه گرفته شده است.
 - **توجیه عده:** جلوگیری از اختلاط نسل، احترام به رابطه نکاح منحل شده، وجود مهلت برای تفکر و بازگشت به زندگی زناشویی در عده طلاق. را از دلایل عده می توان نامید.
 - **اقسام عده:** عده دارای اقسام مختلفی است: عده وفات- عده طلاق- عده فسخ نکاح- عده نزدیکی به شبهه و عده بذل یا انقضاء مدت در نکاح منقطع.
 - **عده وفات:** عده وفات یعنی مدتی که زن بعد از مرگ شوهر باید برای اختیار شوهر دیگر صبر کند که اصولاً چهار ماه و ده روز است.
 - عده وفات چه در عقد دائم و چه در منقطع چهار ماه و ده روز است، مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است، مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل چهار ماه و ده روز بیشتر والا مدت عده همان چهار ماه و ده روز است. (مطابق ماده ۱۱۵۴ ق.م).
 - هر گاه شوهر از محل سکونت زن غایب بوده و زن بعد از مدتی از فوت او آگاه شود بنابراین قول مشهود فقهای امامیه عده وفات از تاریخ آگاهی زن از فوت آغاز می شود.
 - اگر درایام عده طلاق شوهر بمیرد، در عده طلاق رجعی چون زن در حکم ازدواج است، زن باید از فوت عده وفات نگه دارد اما در عده طلاق بائن یا فسخ نکاح تاثیری در وضع زن ندارد و لازم نیست عده وفات نگه دارد.
- **عده طلاق**
- **عده زن آبستن:** عده زن آبستن تا وضع حمل اوست. لذا هرگاه با فاصله ی کمی بعد از طلاق زایمان روی دهد، عده منقضی می شود و زن می تواند بار دیگر ازدواج کند. (ماده ۱۱۰۳ ق.م)
 - **عده زن غیر آبستن:** عده طلاق زن غیر آبستن سه طهر است.
 - طهر در اصطلاح حقوقی عبارتست از پاکی زن از عادت زنانگی و نیز مدتی که بین دو عادت زنانگی قرار دارد.
 - اگر زن با اقتضای سن، یعنی با اینکه به سن یائسگی نرسیده و در سن زنانی است که عادت می شوند، عادت زنانگی نبیند، مدت عده دقیقاً ۳ ماه خواهد بود.

- زنانی که عده طلاق ندارند: زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح، ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود.
- مقصود از زن یائسه زنی است که به سنی رسیده که دیگر امید باردار شدن ندارد. در حقوق ایران سن یائسگی عملاً مشخص نیست و به نظر کارشناس واگذار می شود.
- عده بذل یا انقضاء مدت در ازدواج موقت
 - در عده بذل یا انقضاء مدت که مربوط به نکاح موقت است اگر زن حامله باشد مانند مورد طلاق عده او با وضع حمل منقضی می شود.
 - عده فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن با اقتضاء سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است. (ماده ۱۱۵۲ ق.م)
- عده نزدیکی به شبهه: همانند عده طلاق است.
- ازدواج یا زنا با زنی که در عده است نکاح با زنی که در عده دیگری است در حکم نکاح با زن شوهر دار است، لذا نکاح مزبور باطل و موجب حرمت ابدی است.
- در صورت جهل به عده و حرمت نکاح یا یکی از این دو و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل است ولی حرمت ابدی حاصل نمی شود ولی اگر یکی از زن و مرد عالم و دیگری جاهل باشد باز هم حرمت ابدی حاصل خواهد شد.
- اگر مردی با زنی که در عده است با جهل به بودن زن در عده و حرمت نکاح ازدواج کند و بعد از انقضاء عده او نزدیکی نماید بنابر قول بعضی از فقها حرمت ابدی حاصل نخواهد شد. بنابراین دو چیز موجب حرمت ابدی است:
 - ۱- عقد با علم به عده و حرمت نکاح
 - ۲- دخول در عده و هرگاه هیچ یک از این دو وجود نداشته باشد، حرمت ابدی پدید خواهد آمد.
- زنا با زنی که در عده رجعیه است: چون زنا با زنی که در عده رجعیه است در حکم زنا با زن شوهر دار است لذا زنا با چنین زنی موجب حرمت ابدی است. اما زنا با زنی که در عده وفات یا عده طلاق بائن یا عده دیگری به جز رجعیه باشد موجب حرمت ابدی نخواهد شد.
- قربابت در حدود معین قربات اعم از نسبی، سببی و رضاعی در پاره ای از درجات مانع نکاح است. خویشانی که نکاح با آنها به علت قربابت ممنوع است محارم نامیده می شوند.
- محارم نسبی: نکاح با اقارب نسبی زیر ممنوع است، اگر چه قربابت حاصل از شبهه یا زنا باشد:
 - ۱- نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا رود.
 - ۲- نکاح با اولاد هر قدر که پایین رود.
 - ۳- نکاح با بردار و خواهر و اولاد آنها هر قدر پایین برود.
 - ۴- نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات.
- محارم سببی: برابر قانون مدنی نکاح بین خویشان سببی ذیل ممنوع است:
 - ۱- بین مرد و مادر و جراثحت زن حتی بعد از انحلال ازدواج
 - ۲- بین مرد و زنی که سابق زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد (فرزندزادگان) او بوده است.
 - ۳- بین مرد و اناث از اولاد زن، از هر درجه که باشند، مشروط به اینکه بین مرد و زن نزدیکی واقع شده باشد.
 - ۴- بین مرد و خواهر زن مگر بعد از انحلال ازدواج با آن زن.
 - ۵- بین مرد و دختر برادر زاده خود بدون اجازه ازدواج کند، این ازدواج غیر نافذ است.
- اثر وطی: اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند. ماده ۱۰۵۶ ق.م

▪ اثر نزدیکی به شبهه و زنا: اگر مردی با زنی به شبهه (اشتباه) یا زنا نزدیکی کند نمی تواند با خویشان نسبی مثلاً با دختر یا مادر یا مادر بزرگ او ازدواج کند ولی اگر قبلاً با زنی صحیحاً ازدواج کرده باشد، نزدیکی به شبهه یا زنا با محارم سببی خود (خویشان نسبی زن در حدود بالا) مانند مادر زن موجب بطلان ازدواج نخواهد بود.

مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق از موانع نکاح به شمار می آید.

▪ سه طلاق متوالی:

- زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد.
- با دقت در ماده ۱۰۵۷ ق.م.تجدید ازدواج مرد با زن سه طلاقه در صورتی مجاز است که:
 - ۱- زن با مرد دیگری ازدواج کند.(محلل)
 - ۲- نکاح دائم باشد نه موقت
 - ۳- بین زن و مرد نزدیکی واقع شده باشد.
 - ۴- نکاح به علتی مانند فوت شوهر یا طلاق منحل شده باشد.

▪ نه طلاق:

- زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تایی آنها عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام موبد می شود.(ماده ۱۰۵۸ ق.م.)
- طلاق عدی نوعی طلاق رجعی است و عبارتست از طلاقی که پس از آن مرد در ایام عده رجوع کند و با زن نزدیکی نماید.

کفر

▪ ازدواج زن مسلمان با مرد نامسلمان:

- نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست. (۱۰۵۹ ق.م.)
- هر گاه زن و شوهر هر دو کافر باشند و زن اسلام اختیار کند نکاح منحل خواهد شد.
- ازدواج مرد مسلمان با زن نامسلمان
- هر گاه زن و شوهر کافر باشند و مرد اسلام آورد و زن کتابیه باقی بماند نکاح به اعتبار خود باقی خواهد ماند اگر چه نکاح دائم باشد.
- اگر زن و شوهر مسلمان باشند و زن مرتد شود نکاح منحل خواهد شد و چنانچه ارتداد قبل از نزدیکی با زن حاصل شود نکاح بلافاصله منحل خواهد شد ولی اگر ارتداد بعد از نزدیکی روی دهد، انفساخ نکاح متوقف به انتضاء عده است و اگر زن در مدت عده به اسلام بازنگشت، نکاح ادامه می یابد.

ل-لعان یکی از موانع نکاح است، لعان در اصلاح حقوقی آن است که زن و شوهر با سوگندهای ویژه ای یکدیگر را تخطئه کنند .

▪ تحقق لعان زمانی است که شوهر به زن نسبت زنا دهد یا فرزندی را که زن به دنیا آورده از خود نفی کند.

▪ تفریقی که با لعان حاصل می شود موجب حرمت ابدی است. (مطابق ماده ۱۰۵۲ ق.م.)

احرام احرام حالتی است که مربوط به زائران خانه خدا می باشد.

▪ اگر کسی در حال احرام ازدواج کند عقد باطل است .

▪ اگر در حین ازدواج در حال احرام علم به حرمت نکاح داشته باشد زن بر او حرام موبد خواهد بود.

آثار ازدواج

روابط شخصی زن و شوهر

تکالیف مشترک زوجین

- **حسن معاشرت:** مطابق ماده ۱۰۳ ق.م.زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. زندگی مشترک را می توان از لوازم حسن معاشرت دانست. از دیگر لوازم حسن معاشرت داشتن رابطه جنسی می باشد که اگر زن این تکلیف را انجام ندهد ناشزه محسوب و حق نفقه او ساقط خواهد شد و اگر مرد سوء معاشرت داشته باشد زن حق طلاق خواهد داشت.
- **معاضدت:** منظور از معاضدت همکاری در زندگی مشترک و اشتراک مساعی زن و شوهر در تامین سعادت و رفاه خانواده است. اگر زن عدم معاضدت نماید مستحق نفقه نخواهد بود.
- **وفاداری:** زن و شوهر باید نسبت به یکدیگر وفادار باشند و از برقراری رابطه نامشروع با دیگران بپرهیزند.
- **ریاست شوهر بر خانواده:** ریاست شوهر بر خانواده دارای آثار است: زن می تواند نام خانوادگی شوهر را با موافقت او بکار برد، اقامتگاه زن اصولاً همان اقامتگاه شوهر است، ولایت قهری نسبت به اطفال، اختیار تعیین مسکن، ممانعت از اشتغال زن به شغلی که منافی مصالح خانوادگی باشد.
- ✓ **تحمیل تابعیت شوهر بر زن از آثار ریاست شوهر بر خانواده نیست.**

▪ تعیین مسکن

- زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. که این اختیار ممکن است بعد از عقد و به موجب قرارداد مستقلاً به زن داده شود. ماده ۱۱۴ ق.م.
- به زن حق داده است که در صورت وجود خوف ضرر بدنی یا شرافتی یا مالی منزل دیگری غیر از منزل شوهر برای خود اختیار کند. ماده ۱۱۵ ق.م.

▪ شغل زن

- مطابق ماده ۱۱۷ ق.م.شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. ضابطه تشخیص در این موارد عرف است. قانون جدید حمایت از خانواده این حق را برای زن نیز قائل شده است.
- مقصود از شغلی که می توان برابر قانون زن یا شوهر را از آن منع کرد شغلی است که ذاتاً مشروع باشد.

تمکین زن

- **تمکین خاص و عام:** تمکین خاص آن است که نزدیک جنسی با شوهر را به طور معارف بپذیرد و جز در مواردی که مانع موجهی داشته باشد از این رابطه سرباز نزند. تمکین به معنای عام آن است که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد. معنی تمکین در قانون مدنی تمکین به معنی عام و مطلق است
- عدم تمکین در اصطلاح حقوقی نشوز و زنی که از شوهر اطاعت نمی کند ناشزه نامیده می شود.
- هرگاه نافرمانی و وظیفه شناسی از هر دو طرف باشد آن را شقاق نامند.
- ضمانت اجرای تمکین: هرگاه زن عدم تمکین نماید نمی تواند از شوهر مطالبه نفقه کند. نشوز شوهر نیز سوء معاشرت به حساب می آید و اگر از مصادیق عسر و حرج باشد زن می تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند.

روابط مالی زن و شوهر

استقلال مالی زن شوهر دار

استقلال مالی زن

- در حقوق ایران اموال هر یک از زوجین مستقل و جدا از اموال دیگری است.
- مطابق ماده ۱۱۸ ق.م زن مستقلاً می تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می خواهد بکند. زن می تواند برای کارهایی که در منزل شوهر به امر او انجام می دهد و از وظایف زناشویی نیست از او مطالبه حق الزحمه نماید.

نفقه زن

نفقه

- مفهوم و ماهیت حق زن بر نفقه
 - نفقه عبارتست از نیازهای متعارف زن با توجه به وضعیت زن مانند مسکن و لباس و غذا و..
 - در نفقه زن، وضعیت و احتیاجات زن به طور متعارف ملاک عمل است نه وضعیت مرد.
 - ماهیت حق زن بر نفقه: برای تشخیص طبیعت حق زن بر نفقه باید به اراده شوهر و عرف و عادت که مفسر اراده شوهر است رجوع کرد.
 - در مورد اموال مصرف شدنی مانند: خوراکیها و عطر و... می توان زن را مالک آنها تلقی کرد اما در مورد اموالی که با انتفاع از آنها عین نابود نمی شود مانند مسکن و اثاث خانه زن تنها حق انتفاع از آنها را دارد و به مالکیت زن در نمی آید.
 - تصرفات زن در اموالی که به عنوان نفقه دریافت کند هر گاه برخلاف متعارف و به زیان شوهر باشد سوء استفاده از حق تلقی می شود که موجب مسئولیت مدنی است.
- ویژگیهای نفقه زن در مقایسه با نفقه اقارب:
 - ۱- نفقه زن مقدم بر نفقه اقارب است.
 - ۲- زن می تواند نفقه گذشته خود را مطالبه کند در حالیکه اقارب نسبت به آتیه می توانند مطالبه نفقه نمایند.
 - ۳- نفقه زن مشروط به فقر او یا تمکین مرد نیست لیکن در نفقه اقارب فقر یک طرف و تمکین طرف دیگر شرط است.
 - ۴- نفقه زوجه تکلیف یک جانبه است، در حالی که نفقه اقارب یک تکلیف متقابل است.
 - ۵- طلب زن بابت نفقه طلب ممتاز است و بر سایر بدهیها مقدم است ولی نفقه اقارب دارای این خصوصیت نیست.
 - دینی که وثیقه داشته باشد کماکان مقدم بر نفقه خواهد بود زیرا حق عینی چنین تقدیمی را اقتضا می کند ولی نفقه زن بر مطالبات مربوط به حقوق عمومی مانند مالیات مقدم است.
- نفقه زن پس انحلال ازدواج
 - اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت. ماده ۱۱۰۹ ق.م.
 - در عده وفات زن حق ندارد هر چند آبستن باشد و فقط می تواند از خویشانی که تکلیف به انفاق دارند مطالبه نفقه کند. ماده ۱۱۰۹ ق.م.
 - در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تامین می گردد. در عده وفات زن حق نفقه ندارد هر چند آبستن باشد و فقط می تواند از خویشانی که تکلیف به انفاق اقارب دارند مطالبه نفقه کند. ماده ۱۱۱۰ ق.م.
- ضمانت اجرای نفقه
 - دادگاه هنگامی می تواند شوهر را به دادن نفقه ملزم کند که رابطه زوجیت محرز باشد و شوهر نتواند امتناع زن از وظایف زناشویی را ثابت کند.
 - در دعوی مطالبه نفقه صرف اثبات رابطه زناشویی به وسیله زن برای مطالبه نفقه کافی است و اگر شوهر ادعای ناشزه زن نماید باید آنرا اثبات کند.
 - ضمانت اجرای کیفری ترک انفاق: مجازات حبس از ۳ ماه و یک روز تا ۵ ماه مقرر شده است که تنها با شکایت شاکی تعقیب انجام می شود.
 - استنکاف از دادن نفقه گذشته زن مجوز مجازات کیفری شوهر نیست.
 - اگر زوجه به سن بلوغ رسیده ولی رشدش احراز نشده باشد می تواند شوهر خود را بدون موافقت ولی یا قیم به جر ترک انفاق مورد تعقیب قرار دهد.

تعیین مهر

- در نکاح دائم تعیین مهر شرط صحت قرار داد نیست و ممکن است نکاح بدون تعیین مهر واقع گردد که در اینصورت زن پس از نزدیکی مستحق مهرالمثل خواهد بود. برعکس در نکاح موقت مهریه شرط صحت نکاح است و عدم تعیین آن موجب عدم تحقق متعه است.
- در فقه و قانون مدنی مهر بر سه گونه است: مهرالمسمی، مهرالمثل، مهرالمتعه
- **مهر المسمی** مهری است که طرفین میزان آن را به تراضی تعیین کرده باشند.
- این مهر ممکن است عین معین باشد مانند: خانه و یا منفعت باشد مانند اجاره بهای خانه ای برای مدت معین و نیز ممکن است عمل (کار) باشد که این کار باید دارای ارزش اقتصادی باشد مانند تعلیم زبان خارجی، همچنین است مهر حق با شد اعم از حق دینی، حق عینی و حق خیار.
- **شرایط مهر المسمی:** قراردادی که زن و شوهر نسبت به مهر می بندند یک قرارداد تبعی است و تابع عقد نکاح است. چیزی که به عنوان مهر تعیین می شود باید دارای شرایطی باشد از جمله اینکه:
 - ۱- مهر باید مالیت داشته و دارای ارزش داد و ستد باشد.
 - ۲- مهر باید قابل تملک به وسیله زن باشد لذا اموال مشترکات عمومی و موقوفات را نمی توان مهر قرار داد.
 - ۳- هر گاه مهر عین معین باشد باید در زمان عقد موجود باشد و اگر موجود نباشد تعیین مهر باطل است.
 - ۴- مالی که مهر قرار داد شده باید از اموال شوهر باشد. البته ملک غیر راهم به اذن مالک می توان مهر قرارداد.
 - ۵- مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد یعنی مقدار و وصف و جنس آن مشخص باشد.
 - ۶- مهر باید معین باشد و نباید مردد بین دو چیز باشد.
 - ۷- مهر باید منفعت عقلایی مشروع داشته باشد.
 - ۸- شوهر باید قدرت بر تسلیم مهر داشته باشد.
- **مقدار مهر المسمی:**
 - تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است. ماده ۱۰۸۰ ق.م.
 - مطابق ماده ۲۲ ق.ح.خ، هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است. (ماده ۲۲ ق.ح.خ ۹۱) بنابراین تا ۱۱۰ سکه مهریه عندالامطالبه است و اثبات اعسار از آن با شوهر است مازاد بر ۱۱۰ سکه عندالاستطاعه بوده و اثبات ملائت مرد با زن خواهد بود. بنابراین مطابق این ماده :
 - ۱- بدون اینکه میزان مهریه محدود شود ضمانت اجرای مهریه مازاد بر ۱۱۰ سکه را کاهش داده است . چون ضمانت اجرای کیفری برای میزان مازاد بر ۱۱۰ سکه منتفی است. حتی اگر ملائت مرد ثابت شود.
 - ۲- تا میزان ۱۱۰ سکه اثبات اعسار با مرد اما مازاد بر ۱۱۰ سکه اثبات ملائت مرد با زن خواهد بود.
 - ۳- اگر مرد به میزان بیشتر از ۱۱۰ سکه اموال ثبتي داشته باشد زن نیاز به اثبات ملائت توسط زن در دادگاه نیست و دایره اجرای ثبت می تواند آن را راساً توقیف کند.
 - ۴- این ماده از مصادیق قوانین مساعد به نفع محکومیت مالی بوده و عطف به ماسبق می شود.
 - چنانچه مقداری طلا به عنوان مهر تعیین و همراه با قیمت روز عقد به ریال در سند نکاح ذکر شود زن هنگام مطالبه می تواند شوهر را ملزم به تادیه عین یا بهای زمان پرداخت نماید.
 - تعهد به عدم انجام کاری می تواند مورد مهر واقع شود.

تعدیل مهریه های ریالی

- چنان چه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه‌ی زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر این که زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند. بنابراین:
- تعدیل مهریه اختصاص به وجه رایج دارد و شامل سکه و طلا و اعیان دیگر نیست.
- تعدیل مهریه ریالی امره نیست می توان برخلاف آن تراضی کرد.
- معیار تعدیل، درصد تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی است (نه تعدیل براساس قیمت طلا یا دلار یا غیره) از آنجایی که درصد تورم در انتهای سال مشخص می گردد در عمل تعدیل با درصد تورم سال قبل از اجرای مهریه محاسبه می شود.
- چگونگی محاسبه مهریه های ریالی به نرخ روز:

نحوه محاسبه ارزش مهریه وجه رایج کشور

براساس ماده ۲ آئین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب مورخ ۱۳۷۷/۲/۱۳ هیأت محترم وزیران، نحوه محاسبه ارزش فعلی مهریه به ترتیب ذیل می باشد:

$$\text{مبلغ مهریه مندرج در عقد نامه} \times \frac{\text{عدد شاخص در سال قبل}}{\text{عدد شاخص در سال وقوع عقد}} = \text{ارزش مهریه در حال حاضر}$$

به طور مثال اگر ازدواجی با مبلغ مهریه ۲۰۰,۰۰۰ ریال در سال ۱۳۵۲ تحقق یافته و قرار باشد مبلغ مذکور در حال حاضر تأدیه گردد، برای محاسبه مبلغ مهریه در حال حاضر (سال ۱۳۹۴) از رابطه ذیل استفاده می گردد:

$$\text{مبلغ مهریه مندرج در عقد نامه} \times \frac{\text{عدد شاخص در سال ۱۳۹۳}}{\text{عدد شاخص در سال ۱۳۵۲}} = \text{ارزش مهریه در حال حاضر (سال ۱۳۹۴)}$$

براساس رابطه فوق و با توجه به اعداد شاخص که در جدول پیوست آمده است:

$$\text{ریال } ۲۳۹,۱۰۵,۸۸۲ = ۲۰۰,۰۰۰ \times \frac{۲۰۳/۲۴}{۱۰۱/۱۷} = \text{ارزش مهریه در حال حاضر (سال ۱۳۹۴)}$$

در نتیجه مهریه قابل پرداخت در سال ۱۳۹۴ (زمان تأدیه) معادل ۲۳۹,۱۰۵,۸۸۲ ریال می باشد. بدیهی است که تا سال ۱۳۹۴ به پایان نرسد، صورت کسر فوق، شاخص سال ۱۳۹۳ یعنی عدد ۲۰۳/۲۴ خواهد بود و بعد از اتمام سال ۱۳۹۴ و ورود به سال ۱۳۹۵ شاخص سال ۱۳۹۴ جایگزین شاخص ۱۳۹۳ خواهد گردید.

ضمانت اجرای شرایط صحت مهر

- هر گاه مهر فاقد یکی از شرایط صحت باشد باطل ولی عقد صحیح است:
- اگر مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد، زن مستحق مهرالمثل است. در این که برای استحقاق مهر المثل نزدیکی شرط است یا خیر، دکتر کاتوزیان این امر را شرط نمی داند دکتر صفایی و دکتر لنگرودی و دکتر محقق داماد شرط می دانند.
- اگر مهرالمسمی مال غیر بوده و صاحب مال آن را تنفیذ (اجازه) نکند، زن مستحق مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمی بودن خواهد بود.
- در صورت معیوب مهر قبل از عقد: هرگاه مهر عین معین باشد و معلوم شود قبل از عقد معیوب بوده شوهر ضامن عیب و تلف است.
- در صورت معیوب بودن مهر در زمان عقد زن: می توانند قرارداد مهر را فسخ کند و یا آن را نگه داشته ارش بگیرد.
- در صورت معیوب شدن مهر پس از عقد و قبل از تسلیم، زن فقط می تواند مطالبه ارش نماید.
- در صورت تلف مهر پس از عقد و قبل از تسلیم، مثل یا قیمت آن بر عهده شوهر است. (مانند ضمان عاریه گیرنده).
- مالکیت زن بر مهر و ضمانت اجرای آن:
- به مجرد عقد زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی در آن نماید. ماده ۱۰۸۲ ق.م.

- در صورت وقوع طلاق قبل از نزدیکی، نصف مهر به شوهر برمی گردد.
- حق حبس: زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.
- منظور از ایفای وظایف تمکین عام و مطلق است (ماده ۱۰۸۵ ق.م.و رای وحدت رویه)
- اگر مهر موجد باشد زن حق حبس ندارد و چنانچه قسمتی از مهر حال و قسمتی موجد باشد حق حبس تنها نسبت به قسمتی که حال است حاصل می شود.
- اگر زن با اعمال حق حبس خود از تمکین خودداری می کند ناشزه محسوب نمی شود و مستحق نفقه خواهد بود.
- اگر زن در اثر اکراه از شوهر تمکین نماید، قبل از اینکه مهر خود را دریافت کرده باشد پس از رفع اکراه نمی تواند آن را پس بگیرد.
- اگر زن حاضر به تمکین از شوهر شود ولی شوهر به علتی مانند مسافرت یا بیماری با زن نزدیکی نکند حق حبس ساقط می شود.
- اگر مهر تعیین نشده باشد یا عدم مهر شرط شده باشد زن حق حبس ندارد.
- مهریه توسط دادگاه در صورت اعسار شوهر از پرداخت مهریه تقسیط شده باشد این امر مسقط حق حبس زن نخواهد بود. چون اولاً حق حبس و اعسار دو موضوع جداگانه اند دوماً مستفاد ماده ۱۰۸۵ دلالت بر دریافت کل مهریه دارد چه یکجا و چه قسطی پرداخت شود فرقی ندارد. (رای وحدت رویه ۷۰۸ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۲)
- وصول مهر از طریق دادگاه یا اجرای ثبت**
- برای مطالبه و وصول مهر، دو طریق قانونی وجود دارد:
 - ۱- رجوع به مراجع قضائی: دایره اجرای احکام اقدام به توقیف اموال زوج می نماید.
 - ۲- رجوع به دایره اجرای ثبت: اموالی که سند رسمی دارند و به نام شوهر هستند توقیف می شوند.
- اگر زوجه برای وصول مهر خود به دادگاه یا اجرای ثبت مراجعه نماید نمی تواند برای وصول مهر مستثنیات دین مثل مسکن زوج را توقیف نماید چون مسکن مورد نیاز و متناسب بدهکار از مستثنیات دین به شمار می آید.
- مهر المسمی در مورد فوت**
- فوت شوهر هیچگونه تاثیری در مهر المسمی ندارد و چنانچه مهر در زمان حیات شوهر تسلیم نشده باشد زن می تواند پس از فوت همه آن را مطالبه کند.
- در صورتی که زن قبل از نزدیکی فوت کند مستحق تمام مهر خواهد بود.
- مهر المسمی در مورد طلاق**
- مطابق ماده ۱۰۹۲ ق.م. هر گاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود خواه این نزدیکی در قبل یا دبر باشد.
- هر گاه در زمان وقوع طلاق فقط نصف مشاع مهر در مالکیت زن باقی باشد در اثر طلاق همین نصف به شوهر تعلق می گیرد.
- در مورد نمائات متصل چون نمائات متصل به اصل مهر است بنابراین شوهر در صورت طلاق حقی نسبت به آنها نخواهد داشت. مرد می تواند نصف مهر را تملک کند و نیمی از ارزش افزوده ناشی از نمائات را به زن پرداخت نماید.
- افزایش بهای مهر**
- در صورتیکه افزایش قیمت مهر به جهت مال معینی باشد که زن افزوده باشد در این صورت مالی که به وسیله زن افزوده شده متعلق به او خواهد بود و شوهر نمی تواند مالکیت نصف آن را ادعا کند.

- در صورتی که افزایش بهای مهر نتیجه تغییر وضع و شکل مهر در اثر تصرفات زن باشد در این صورت زن مستحق نصف افزایشی قیمتی است که در نتیجه عمل او حاصل شده است.
- در صورتی که افزایش ارزش مهر در اثر ترقی سطح قیمت در بازار باشد در اینصورت زن هیچگونه حقی نسبت به افزایش قیمت نصف مهر ندارد.

معیوب شدن مهر نزد زن

- هر گاه مهر در زمان مالکیت زن معیوب شده باشد فقط نصف عین با ارزش به شوهر تعلق می گیرد.
- هر گاه در هنگام طلاق عین مهر در ملکیت زن نباشد شوهر مستحق مثل یا قیمت نصف آن خواهد بود. هر گاه عین مهر قبل از طلاق به دیگری منتقل شده باشد اگر انتقال به وجه لازم باشد در حکم تلف است و مثل یا قیمت نصف باید به شوهر داده شود اما اگر انتقال به وجه غیر لازم می باشد زن می تواند قرارداد را فسخ و نصف عین را بازگرداند یا مثل یا قیمت نصف را به شوهر بپردازد.
- هر گاه قیمت مهر در فاصله بین نکاح و طلاق به علتی تغییر کند کمترین قیمت در فاصله بین عقد و قبض مهر به وسیله زن در نظر گرفته می شود.
- هر گاه قیمت مهر عین بوده و زن آن را به شوهر خود هبه یا صلح بلاعوض کرده باشد در صورت وقوع طلاق قبل از نزدیکی شوهر حق رجوع به نصف مهر را ندارد.

مهرالمسمی در مورد فسخ ازدواج

- مطابق ماده ۱۱۰۱ ق.م. هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ، عنین باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح، زن مستحق نصف مهر است.
- هر گاه عقد نکاح بعد از نزدیکی فسخ شود مستحق همه مهر خواهد بود.

اثر انحلال ازدواج قبل از تعیین مهر

- در صورت وقوع طلاق قبل از نزدیکی و تعیین مهر، زن مستحق مهر المتهه خواهد بود.
- هر گاه قبل از نزدیکی و تعیین مهر، نکاح به علت فسخ یا فوت یکی از زوجین منحل شود زن مستحق هیچگونه مهری نخواهد بود.

عدم مهر

- هر گاه در عقد دائم ذکری از مهر نشده یا عدم مهر ضمن عقد نکاح شرط شده باشد این عمل را در فقه اسلامی تفویض بضع و زن را مفوضه البضع گویند.
- اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده باشد قبل از تراضی و پس از نزدیکی مهرالمثل به زن تعلق می گیرد که تعیین آن بر حسب وضع مرد از حیث دارایی و نداری تعیین می شود.
- هر گاه توافق طرفین در مورد مهر المسمی باطل باشد مثلاً مال تعیین شده مجهول باشد زن مستحق مهرالمثل می باشد و نیز هر گاه نکاح باطل و زن جاهل به بطلان بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد زن مستحق مهر المثل است. (ماده ۱۰۹۹ ق.م.).
- در صورتیکه در نکاح شرط شده باشد که زن هیچگونه مهر نداشته باشد این شرط باطل است.

تفویض مهر

- واگذاری تعیین مهر به یکی از زوجین یا شخص ثالث تفویض مهر می گویند زنی که بدین گونه ازدواج کند مفوضه المهر نامیده می شود و شخصی که تعیین مهر به موجب توافق زوجین به او محول شده داور به شمار می آید.
- اگر داور شوهر یا شخص ثالث باشد می تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند ولی اگر زن در تعیین مهر داور باشد نمی تواند بیشتر از مهر المثل معین نماید (ماده ۱۰۹۰ ق.م.).

- هر گاه شوهر قبل از تعیین مهر به وسیله داور، زن را طلاق دهد داور پس از طلاق مهر را تعیین خواهد کرد.
 - اگر داور قبل از تعیین مهر بمیرد اگر فوت داور بعد از نزدیکی باشد زن مستحق مهر المثل است.
- اثر انحلال ازدواج در مهر اگر نکاح قبل از تعیین مهر و بعد از نزدیکی منحل شود زن مستحق مهر المثل خواهد بود.

انحلال نکاح

علل انحلال

- ۱- در ازدواج دائم: فوت، طلاق و فسخ ازدواج
- ۲- در ازدواج منقطع: فوت، فسخ، بذل مدت و انقضاء مدت.
- ۳- انفاسخ: یعنی به هم خوردن ازدواج به یک علت قانونی بدون اراده زوج یا زوجه مانند لعان یا مرتد شدن زوج.

فسخ ازدواج

وجوه اشتراک فسخ و طلاق

- ۱- فسخ ازدواج و طلاق هر دو عمل حقوقی یک جانبه می باشند.
- ۲- هر دو عمل نسبت به گذشته تاثیر ندارند.
- ۳- از لحاظ عده در هر دو مورد عده زن سه طهر است.
- ۴- هر دو باید در دفتر رسمی به ثبت برسد و عدم ثبت آنها جرم است و مشمول مجازات تعزیری می باشد.

وجوه افتراق فسخ و طلاق

- ۱- فسخ نکاح دارای تشریفات طلاق و اخذ گواهی عدم سازش و اجرای صیغه نمی باشد.
- ۲- برای طلاق زن باید دارای شرایطی باشد مثل بودن در طهر غیر مواقعه برخلاف فسخ.
- ۳- در طلاق اگر رجعی باشد در عده حق رجوع برای شوهر وجود دارد. ولی در فسخ هیچگونه حق رجوع نیست و انحلال نکاح کامل است.
- ۴- هر گاه قبل از نزدیکی طلاق واقع شود زن مستحق نصف مهر است و اگر نکاح قبل از نزدیکی فسخ شود زن حق مهر ندارد.
- ۵- طلاق در حقوق ما اصولاً از طرف شوهر صورت می گیرد ولی فسخ نکاح حسب مورد ممکن است از جانب شوهر یا زن باشد.
- ۶- طلاق بعد از سه مرتبه موجب حرمت است ولی فسخ نکاح هیچگونه حرمت ایجاد نمی کند.
- ۷- موجبات طلاق با موجبات فسخ متفاوت است.

موارد فسخ

موارد فسخ این موارد عبارتند از عیوب زن و مرد، تدلیس، تخلف از شرط صفت

جنون

- جنون هر یک از زوجین به شرط استقرار، اعم از این که مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.
 - جنون شوهر چه قبل از نکاح و چه بعد از نکاح عارض شود موجب خیار فسخ برای زن است.
 - جنون زن هنگامی موجب حق فسخ برای شوهر است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته باشد.
- عیوب مرد** مطابق ماده ۱۱۲۲ ق.م.عیوب زیر در مورد مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:
- ۱- خصا: اختگی- تحقق نیافتن انزال در مردان حتی اگر قادر به روابط زناشویی باشند.
 - ۲- عنن: ناتوانی مطلق روابط جنسی به شرط اینکه ولو یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد.
 - ۳- مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد.
- عیوب زن** به موجب ماده ۱۱۲۳ ق.م.عیوب زیر در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود:
- ۱- قرن: استخوانی است در فرج که مانع جماع می‌گردد و زنی را که دارای این عیب باشد قرناء گویند.
 - ۲- جذام: به آن خوره و آکله نیز گفته می‌شود- بیماری عفونی مزمنی است که ضایعاتی در پوست، مخاط و اعصاب ایجاد می‌کند.

- ۳- برص: به آن پیسی هم گفته می‌شود. بیماری است که بر اثر آن لکه‌های معمولاً بزرگ سپید یا سیاه در بدن پدید می‌آید.
- ۴- افشاء: یکی شدن مجرای حیض و غائط و بول
- ۵- زمین‌گیری.
- ۶- نابینایی از هر دو چشم.
- رفع عیوب مذکور مانع فسخ است. ناباروری مرد از عیوب موجب فسخ نیست.
- عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است. رفع عیوب مذکور در هر حال مانع فسخ است.
- جنون و عن(نه خصاء و قطع آلت) در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود. برعکس برای مرد چنین حقی ایجاد نمی‌گردد.
- هر یک از زوجین که قبل از عقد عالم به امراض مذکوره در طرف دیگر بوده بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت.
- هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع نماید و امتناع بعلت مزبور از مصادیق نشوز نبوده و مانع حق نفقه نخواهد بود.

تدلیس

- تدلیس در نکاح آن است که با اعمال متقلبانه نقص یا عیبی را که در یکی از زوجین است پنهان دارند یا او را دارای صفت کمالی معرفی کنند که فاقد آن است. تدلیس زمانی صادق است که سوء نیت وجود داشته باشد.
- هرگاه یکی از زوجین با تبانی شخص ثالث اقدام به تدلیس نماید حق فسخ ایجاد می‌شود. اگر در یکی از طرفین نقصی وجود داشته باشد و این نقص قابل مسامحه نباشد و با آگاهی از آن غالباً ازدواج صورت نمی‌گیرد می‌توان آن را تدلیس به شمار آورد. در صورت تدلیس فریب خورده می‌تواند از تدلیس کننده طلب خسارت نماید.
- تخلف از شرط صفت از زوجین صفت خاصی شرط شده باشد و بعد از عقد معلوم شود که طرف فاقد وصف مقصود بوده طرف دیگر حق فسخ خواهد داشت.

قواعد عمومی فسخ ازدواج

- این قواعد عبارتند از:
 - ۱- رضائی بودن فسخ: برای تحقق فسخ و انحلال نکاح دادگاه شرط نمی‌باشد و حکم دادگاه در این باره اعلامی خواهد بود.
 - ۲- فوریت خیار فسخ: خیار فسخ در نکاح فوری است و تشخیص مدت آن با عرف است.
 - ۳- اسقاط حق فسخ: خیار فسخ مانند هر حق دیگر قابل اسقاط است اما انتقال خیار فسخ را نمی‌توان پذیرفت چون خیار فسخ در نکاح امری شخصی است.

طلاق

نحوه طلاق

طلاق به درخواست مرد

- چنانچه شوهر بخواهد زن خود را طلاق دهد باید به دادگاه رجوع کند و دادگاه با ارجاع اختلاف به داوری اقدام به اصلاح بین زوجین خواهد کرد و در صورت عدم امکان سازش، گواهی عدم امکان سازش به شوهر داده می‌شود و دفتر طلاق پس از دریافت گواهی عدم امکان سازش به اجرای صیغه طلاق و ثبت آن اقدام خواهد کرد.
 - چنانچه شوهر بدون اجازه دادگاه مبادرت به طلاق نماید به حبس جنحه ای از ۶ ماه تا ۱ سال محکوم خواهد شد.
- طلاق به درخواست زن

- در قانون مدنی مواردی مانند استتکاف یا عجز شوهر از دادن نفقه، عسر و حرج، غایب مفقودالاثر شدن شوهر به مدت ۴ سال و وکالت زن برای طلاق، موجباتی برای طلاق به درخواست زن می باشد.
- الزام دادگاه به انفاق و عدم اجرای حکم نفقه به وسیله شوهر طبقه احراز عجز از دادن نفقه است.
- نفقه ای که استتکاف از دادن آن مجوز طلاق است نفقه آینده است و نفقه گذشته را در بر نمی گیرد لیکن هیات عمومی دیوان عالی در یک رای اصراری نفقه گذشته را نیز شامل می داند.
- قاعده عسر و حرج از قواعد ثانویه فقهی است و قاعده اولیه در مورد طلاق این است که اختیار آن در دست شوهر است.
- مصادیق عسر و حرج جهت رفع ابهام و جلوگیری از تشتت آراء دادگاهها عبارتند از:
 - ۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت ۶ ماه متوالی و ۹ ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه .
 - ۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی.
 - ۳- محکومیت قطعی زوج به حبس ۵ سال یا بیشتر.
 - ۴- ضرب و شتم یا هر گونه سوء رفتار مستمر زوج.
 - ۵- ابتلاء زوج به بیماریهای صعب العلاج روانی یا ساری.
- مراحل صدور حکم طلاق در صورت غیبت شوهر بیش از ۴ سال:
 - ۱- درخواست طلاق از طرف زن به دادگاه
 - ۲- آگهی دادگاه در روزنامه
 - ۳- ثابت نشدن حیات غایب پس از گذشت یکسال از نشر اولین آگهی
 - ۴- صدور حکم طلاق توسط دادگاه.
- قبل از گذشتن لاقال ۵ سال از تاریخ آخرین خبر غایب دادگاه نمی تواند حکم طلاق صادر کند مطابق ماده ۱۱۵۶ ق.م.زنی که شوهر او غایب مفقودالاثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاه دارد و در صورتی که شوهر پس از طلاق رجوع نماید دیگر حقی نسبت به زن ندارد، لیکن اگر قبل از انقضای مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد.

طلاق با توافق زوجین

- از انواع طلاق که با توافق طرفین صورت می گیرد طلاق خلع و مبارات است . در طلاق خلع و مبارات زن مالی به شوهر می دهد و موافقت او را برای طلاق جلب می کند.
- طلاق خلع بر اساس کراهت زن واقع می شود و مالی که در آن زن به شوهر در ازای طلاق می دهد ممکن است به اندازه مهر یا کمتر یا بیشتر از آن باشد.
- مطابق قانون مدنی: طلاق به عوض هنگامی صحیح است که مبتنی بر کراهت زوجه از زوج و به صوت خلع ید یا مبارات باشد.

شرایط طلاق

شرایط طلاق دهنده(شوهر)

- طلاق در فقه اسلامی و قانون مدنی ایقاع به شمار می آید که به وسیله شوهر یا به نمایندگی از او واقع می شود که طلاق دهنده (شوهر) باید اراده و اهلیت برای طلاق داشته باشد.
- وجود اراده و منجز بودن آن:
- هر گاه کسی در حال مستی یا از باب شوخی صیغه طلاق جاری کند یا اشتباها به جای یکی از زنهایش زن دیگری را طلاق دهد این طلاق باطل است.

- قصد طلاق باید به طور منجز باشد یعنی طلاق دهنده باید جازم و قاطع باشد و در صورت معلق بودن باطل است. چنانچه مرد به زنی بگوید: طلاق دادم اگر تا ۳ ماه دیگر آبستن نشوی (ماده ۱۱۳۵ ق.م).
- طلاق مکره و ضمانت اجرای آن: اگر شوهر از روی اکراه و تهدید و فشار، زن خود را طلاق دهد، طلاق باطل و تنفیذ بعدی آن را صحیح نمی کند.
- اهلیت (بلوغ و عقل): طلاق دهنده باید بالغ و عاقل باشد. ماده ۱۱۳۶ ق.م. صغیر حتی با اجازه قیم یا ولی خود نمی تواند زن خویش را طلاق دهد.
- طلاق مجنون:
- مجنون دائمی نمی تواند شخصا زنش را طلاق دهد ولی قانونگذار به ولی یا قیم مجنون اختیار داده است که با رعایت مقررات و مصلحت مولی علیه زن او را طلاق بدهد. (ماده ۱۱۳۷ ق.م).
- در صورتی که طلاق بوسیله قیم صورت گیرد موافقت دادستان و تصویب دادگاه لازم است اما در مورد ولی قهری و وصی نیازی به موافقت دادستان نیست هر چند اجازه دادگاه لازم است.
- در مورد مجنون ادواری خود می تواند در حال افاقه طلاق را واقع سازد.
- طلاق سفیه: چون حجر سفیه محدود به امور مالی است و طلاق را نمی توان از این امور محسوب داشت، طلاق سفیه بی اشکال است.

شرایط مطلقه

- برابر قانون مدنی طلاق باید در حال پاکی زن واقع شود و به علاوه باید از پایان عادت زنانگی تا هنگام طلاق بین زن و شوهر نزدیکی روی نداده باشد تا:
 - ۱- از افزایش طلاق بدینوسیله جلوگیری شود.
 - ۲- وضع زن از لحاظ بارداری معلوم گردد.
- پاکی زن:
 - مطابق طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست. (ماده ۱۱۴۰ ق.م)
 - نفاس حالتی است مانند عادت زنانگی که هنگام زایمان و مدتی بعد از آن در زن پیدا می شود و مدت آن حداکثر ۱۰ روز بعد از زایمان است. طلاق در حال عادت زنانگی و نفاس باطل است. مگر در سه مورد:
 - ۱- طلاق زن آبستن: معمولاً در دوران حاملگی عادت زنانگی و نفاس وجود ندارد.
 - ۲- طلاق که قبل از نزدیکی واقع شود.
 - ۳- طلاق از طرف شوهر غایب: اگر شوهر غایب باشد یعنی در زمان طلاق در محل سکونت زن نباشد و نتواند اطلاع حاصل کند که زن در حال طهر است یا نه می تواند زن خود را طلاق دهد.
 - هر گاه شوهر زندانی باشد یا جدا از زن زندگی کند به نحوی که آگاهی از حال زن برای او ممکن نباشد در این صورت هم پاکی زن شرط نیست.
- عدم وقوع نزدیکی از پایان عادت زنانگی تا هنگام طلاق:
 - ۱- طلاق در طهر واقعه صحیح نیست. ماده ۱۱۴۱ ق.م. (زن باید در طهر غیر واقعه باشد) مگر اینکه زن یائسه یا حامل باشد.
 - ۲- اگر زن با وجود اقتضای سن یا به علت بیماری یا اختلالات مادرزادی عادت نمی شود، طلاق وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی با زن ۳ ماه گذشته باشد.

تشریفات طلاق

- تشریفات طلاق عبارتند از: اجازه یا حکم دادگاه، داوری، تشریفات اجرای صیغه طلاق و ثبت طلاق.
- لزوم صدور گواهی عدم سازش
- گواهی عدم امکان سازش که از طرف دادگاه می باشد حتی در صورت توافق نیز لازم است.
- در مورد حکم طلاق، اجرای صیغه و ثبت آن حسب مورد منوط به انقضای مهلت فرجام خواهی یا ابلاغ رأی فرجامی است.
- مدت اعتبار حکم طلاق شش ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی است. هرگاه حکم طلاق از سوی زوجه به دفتر رسمی ازدواج و طلاق تسلیم شود، در صورتی که زوج ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ مراتب در دفترخانه حاضر نشود، سردفتر به زوجین ابلاغ می کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوج و عدم اعلام عذر از سوی وی یا امتناع او از اجرای صیغه، صیغه طلاق جاری و ثبت می شود و مراتب به زوج ابلاغ می گردد. در صورت اعلام عذر از سوی زوج، یک نوبت دیگر به ترتیب مذکور از طرفین دعوت به عمل می آید. ماده ۳۳- قانون حمایت از خانواده مصوب ۹۱)
- دادگاه صادرکننده حکم طلاق باید در رأی صادر شده بر نمایندگی سردفتر در اجرای صیغه طلاق در صورت امتناع زوج تصریح کند.
- مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش برای تسلیم به دفتر رسمی ازدواج و طلاق سه ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی است. چنانچه گواهی مذکور ظرف این مهلت تسلیم نشود یا طرفی که آن را به دفترخانه رسمی طلاق تسلیم کرده است ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم در دفترخانه حاضر نشود یا مدارک لازم را ارائه نکند، گواهی صادر شده از درجه اعتبار ساقط است.
- دادگاه ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده (۳۳۶) قانون مدنی تعیین و در مورد چگونگی حضانت و نگهداری اطفال و نحوه پرداخت هزینه های حضانت و نگهداری تصمیم مقتضی اتخاذ می کند. همچنین دادگاه باید با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند.
- هرگاه گواهی عدم امکان سازش صادر شده بر اساس توافق زوجین به حکم قانون از درجه اعتبار ساقط شود کلیه توافقاتی که گواهی مذکور بر مبنای آن صادر شده است ملغی می گردد.
- هرگاه زوج در مهلت مقرر به دفتر رسمی ازدواج و طلاق مراجعه و گواهی عدم امکان سازش را تسلیم کند، در صورتی که زوجه ظرف یک هفته در دفترخانه حاضر نشود سردفتر به زوجین اخطار می کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوجه صیغه طلاق جاری و پس از ثبت به وسیله دفترخانه مراتب به اطلاع زوجه می رسد.
- فاصله بین ابلاغ اخطاریه و جلسه اجرای صیغه نباید از یک هفته کمتر باشد. در مواردی که زوج یا زوجه مجهول المکان باشند، دعوت از شخص مجهول المکان از طریق نشر آگهی در جراید کثیر الانتشار یا هزینه درخواست کننده به وسیله دفترخانه به عمل می آید.
- هرگاه گواهی عدم امکان سازش بنا بر توافق زوجین صادر شده باشد، در صورتی که زوجه بنا بر اعلام دادگاه صادرکننده رأی و یا به موجب سند رسمی در اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل داشته باشد، عدم حضور زوج، مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن نیست.
- در مورد سفیه، صغیر و مجنون ادواری، ولی یا قیم نمی تواند به نمایندگی از آنها درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش نماید اما در مورد مجنون دائمی این امر صادق است.

ارجاع به داوری

- در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.
- پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری، هریک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ یک نفر از اقارب متأهل خود را که حداقل سی سال داشته و آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشد به عنوان داور به دادگاه معرفی کنند.
- محارم زوجه که همسرشان فوت کرده یا از هم جدا شده باشند، در صورت وجود سایر شرایط مذکور در این ماده به عنوان داور پذیرفته می‌شوند.
- در صورت نبود فرد واجد شرایط در بین اقارب یا عدم دسترسی به ایشان یا استنکاف آنان از پذیرش داوری، هریک از زوجین می‌توانند داور خود را از بین افراد واجد صلاحیت دیگر تعیین و معرفی کنند. در صورت امتناع زوجین از معرفی داور یا عدم توانایی آنان دادگاه، خود یا به درخواست هریک از طرفین به تعیین داور مبادرت می‌کند.
- فرق داوری با دادرسی این است که داور معمولاً توسط اصحاب دعوی انتخاب میشود ولی دادرس به وسیله مقامات عمومی منصوب می‌شود، به علاوه داور دارای سمت قضائی و مکلف به رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی نیست.

ارجاع به مراکز مشاوره

- در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می‌توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتداء در مراکز مذکور مطرح کنند. در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق جهت اتخاذ تصمیم نهائی به دادگاه منعکس می‌کند. (ماده ۲۵- قانون حمایت از خانواده مصوب ۹۱)

▪ مراکز مشاوره خانوادگی

- به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند.
- در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد دادگاه‌ها می‌توانند از ظرفیت این مراکز نیز استفاده کنند.
- اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسان رشته‌های مختلف مانند مطالعات خانواده، مشاوره، روان‌پزشکی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می‌شوند و حداقل نصف اعضای هر مرکز باید از بانوان متأهل واجد شرایط باشند. تعداد اعضا، نحوه انتخاب، گزینش، آموزش و نحوه رسیدگی به تخلفات اعضای مراکز مشاوره خانواده، شیوه انجام وظایف و تعداد این مراکز و نیز تعرفه خدمات مشاوره‌ای و نحوه پرداخت آن به موجب آیین نامه‌ای است که ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضائیه می‌رسد.
- در حوزه‌های قضائی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر این مراکز را در مورد امور و دعاوی خانوادگی خواستار شود.
- مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجراء و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می‌کنند. مراکز مذکور در صورت حصول سازش به تنظیم سازش نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می‌کنند.
- دادگاه با ملاحظه نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی می‌کند.

اجرای صیغه

- اجرای صیغه طلاق با رعایت جهات شرعی در دفترخانه یا در محل دیگر و با حضور سردفتر انجام می‌گیرد.
- مطابق ماده ۱۱۳۴ق.م طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لااقل دو مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع شود.
- چنانچه هنگام اجرای صیغه طلاق دو شاهد حاضر نباشند طلاق باطل است.
- صیغه طلاق اگر چه تکرار شود مقید یک طلاق است و شخص نمی تواند در یک جلسه زنش را دو یا سه طلاقه کند.
- **تشریفات خاص طلاق رجعی:**
 - در طلاق رجعی، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورتجلسه می شود ولی ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده است، مگر این که زن رضایت به ثبت داشته باشد. در صورت تحقق رجوع، صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورتجلسه تکمیل و طلاق ثبت می شود. صورتجلسه تکمیل شده به امضای سردفتر، زوجین یا نمایندگان آنان و دو شاهد طلاق می‌رسد. در صورت درخواست زوجه، گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج به وی اعطاء می شود. در هر حال در صورت انقضای مدت عده و عدم احراز رجوع، طلاق ثبت می‌شود.
 - در کلیه موارد، قطعی و قابل اجراء بودن گواهی عدم امکان سازش یا حکم طلاق باید از سوی دادگاه صادرکننده رأی نخستین گواهی و همزمان به دفتر رسمی ازدواج و طلاق ارائه شود.
- **ثبت طلاق و ضمانت اجرای آن**
 - ثبت طلاق و سایر موارد انحلال نکاح و نیز اعلام بطلان نکاح یا طلاق در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق حسب مورد پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم مربوط از سوی دادگاه مجاز است.
 - ثبت طلاق در دفتر رسمی از شرایط صحت و تحقق آن نیست، لذا طلاقی را که به ثبت نرسیده، در صورتی که وقوع آن مسلم باشد نمی توان باطل دانست، لیکن عدم ثبت طلاق جرم شناخته شده است.
 - ارائه گواهی پزشک ذی صلاح درمورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است، مگر آنکه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند.
 - ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است. طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیط محکوم به نیز ثبت می شود. در هر حال، هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد می‌تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند.
 - در طلاق خلع و مبارات شوهر از پرداخت فدیة معاف می باشد.
- **اقسام طلاق**
 - مطابق ماده ۱۱۴۳ق.م طلاق به دو قسم است. بائن و رجعی بنابر آنچه از فقه و قانون مدنی بر می آید طلاق رجعی اصل و طلاق بائن فرع محسوب می شود. در حقوق ایران مطلقه رجعیه در حکم زوجه است نه زوجه حقیقه.
 - در ماده ۱۱۴۵ق.م مقرر می دارد، در موارد زیر طلاق بائن است:
 - ۱- طلاقی که قبل از نزدیکی باشد.
 - ۲- طلاق بائسه
 - ۳- طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عوض نکرده باشد.
 - ۴- سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید.
 - طلاقی که به حکم دادگاه صورت می گیرد بائن است و فقط طلاق زوجه غایب مفقودالائثر، با آنکه حکم دادگاه می باشد رجعی به شمار می آید.
 - معنی و شرایط طلاق خلع و مبارات

- طلاق خلع و مبارات به توافق طرفین صورت می گیرد. در طلاق خلع زن خالغ و شوهر مختلعه نامیده می شود.
- در طلاق مبارات، کراهت و نارضایی از زندگی زناشویی دو جانبه است و مالی که زن در ازاء طلاق به شوهر می دهد نباید زائد بر میزان مهر باشد.
- در طلاق خلع و مبارات زن باید اهلیت داشته باشد زیرا بذل یک نوع تصرف مالی است که احتیاج به اهلیت دارد.
- در طلاق خلع و مبارات آنچه زن در ازای طلاق به شوهر می دهد فدیة یا عوض نامیده میشود.
- در طلاق خلع و مبارات زن می تواند از مالی که به شوهر داده رجوع کند و طلاق بائن را به رجعی تبدیل کند.
- در حقوق ایران ماهیت حقوقی این دو طلاق را ایقاع می دانند.

آثار طلاق

آثار طلاق بائن

- اگر طلاق بائن باشد، رابطه نکاح از تاریخ وقوع منحل می شود و این انحلال اثری نسبت به گذشته ندارد. در این طلاق اگر زوجه از آن دسته از زنان نباشد که عده طلاق ندارد، باید نگه دارد و نمی تواند در ایام با دیگری ازدواج کند.
- زنی که عده طلاق بائن است مستحق نفقه ایام عده نیست مگر اینکه آبستن باشد.

آثار طلاق رجعی

- در طلاق رجعی تا موقعی که عده زن منقضی نشده رابطه نکاح کاملاً قطع شده است و نفقه زن بر عهده شوهر است و اگر یکی از زوجین فوت کند دیگری از او ارث می برد.
- ازدواج شوهر با زن دیگر قبل از انقضای عده زن اول احتیاج به اجازه دادگاه دارد.
- شوهر در طلاق رجعی نمی تواند حق رجوع خود را ساقط کند چون رجوع در طلاق رجعی یک قاعده امری است و از طرفی این امر به حق زن لطمه می زند و دیگر زن نمیتواند از حقوق زوجیت مانند نفقه و ارث بهره مند شود.
- در مورد عدم ثبت رجوع در دفتر رسمی طلاق، برای متخلف حبس تعزیری تا یک سال یا جزای نقدی از هفتاد هزارو یک تا سه میلیون ریال مقرر گردیده است. (برای مرد).

مقرری ماهانه

- مطابق قانون جدید خانواده دادگاه می تواند در مواردی اقدام به صدور حکم به پرداخت مقرری ماهانه از جانب یکی از طرفین در حق طرف دیگر را با شرایطی نماید که پرداخت مقرری مذکور در صورت ازدواج مجدد محکوم له، یا ایجاد درآمد کافی برای او، یا کاهش درآمد یا عسرت محکوم علیه یا فوت محکوم له به حکم همان دادگاه حسب مورد تقلیل یافته یا قطع خواهد شد. لازم به ذکر است که در طلاق با توافق طرفین حکم به پرداخت مقرری نخواهد شد.

ویژگیهای مقرری ماهانه:

- ۱- متناسب با وضع و سن طرفین و مدت زناشویی است.
- ۲- قابل کاهش است.
- ۳- قابل قطع شدن است.
- مبنای مقرری ماهانه یک نوع نفقه است و مبنای این قاعده حمایت از زن بوده است.
- در مواردی که زوجه در دادگاه ثابت کند به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف زندگی مشترک که برعهده زوج است هزینه کرده و زوج نتواند قصد تبرع زوجه را اثبات کند، می تواند معادل آن را از وی دریافت نماید.

قرابت و نسب

قرابت و نسب

مفهوم اولاد کسانی که با واسطه از دیگری به وجود آمده اند و ۳۴۱ به معنای عام می گویند که در عرف بر حسب درجه نزدیکی و دوری به ع ف که شامل نسب خاص و عام می باشد.

۱- نسب خاص: عبارت از علاقه و رابطه خونی و حقوقی موجود بین دو نفر که بر اثر تولد، یکی از صلب یا بطن دیگری به طور مستقیم به وجود آمده است.

۲- نسب عام: عبارت از علاقه و رابطه خونی و حقوقی موجود بین دو نفر که بر اثر تولد یکی از آنها از صلب یا بطن دیگری و یا بر اثر ولات هر دو نفر از ثالثی ایجاد شده است.

- نسب به مفهوم خاص ممکن است پدر یا مادری باشد ولی نسب به مفهوم عام ممکن است پدری یا مادری ابوینی باشد.
- قرابت به معنی خویشاوندی است که در قانون مدنی به سه قسم تقسیم شده است: نسبی، سببی، رضاعی و قرابت ناشی از سرپرستی یا فرزند خواندگی را نیز می توان به آن افزود.

قرابت

قرابت نسبی

قرابت نسبی خویشاوندی مربوط به خون است و بین کسانی به وجود می آید که دارای یک خون و نیاکان مشترک هستند. این قرابت به قرابت در خط مستقیم و قرابت در خط اطراف تقسیم می شود.

- قرابت در خط مستقیم: رابطه ی است خونی بین دو نفر که یکی از آنها بی واسطه یا با واسطه از دیگری تولد یافته است.
- قرابت در خط اطراف: رابطه ای است خونی بین افرادی که از نسل شخص ثالثی باشند مانند خویشاوندی بین برادران اعم از اینکه از پدر و مادر بوده و یا فقط پدر و مادر مشترک داشته باشند.
- شخص ثالثی که خویشان نسبی خط اطراف را به هم پیوند می زند و نقطه اتصال آنها به شمار می آید جامع نسب گویند و خویشان خط اطراف را حواشی گویند.
- خویشان نسبی خط اطراف چند دسته اند:

- بعضی قرابتشان از جانب پدر و مادر است که قرابت ابوینی یا صلبی یا تنی یا پدر و مادری نامیده می شود
- برخی تنها از طرف پدر و بعضی از ناحیه مادر است که در مورد اول قرابت ابی یا صلبی یا پدری نام دارد و قرابت دسته دوم (مادری) قرابت امی یا بطنی یا مادری گویند.
- مطابق ماده ۱۰۳۲ ق.م. قرابت نسبی شامل سه مطابقه است و هر مطابقه دارای درجاتی است:
 - مطابقه اول: پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد.
 - مطابقه دوم: اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.
 - مطابقه سوم: اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.

آثار قرابت نسبی

- ولایت قهری
- حضانت اقارب
- نفقه اقارب
- حرمت نکاح با برخی اقرب نسبی

قرابت سببی

قرابت سببی

- قرابت سببی خویشاوندی ناشی از ازدواج است و رابطه ای است بین زن شوهر با یکدیگر و بین هر یک از زوجین با خویشان نسبی دیگر.

- هر كس در هر خط و به هر درجه كه با يك نفر قرابت نسبی داشته باشد ، در همان خط و به همان درجه قرابت سببی با زوجه او خواهد داشت. (ماده ۱۰۳۳ ق.م.)
- هر كس در هر خط و به هر درجه كه با يك نفر قرابت نسبی داشته باشد، در همان خط و به همان درجه، قرابت سببی با زوج یا زوجه او خواهد داشت؛ بنابراین پدر و مادر زن یک مرد اقرای سببی درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهر یک زن از اقرای سببی درجه دوم آن زن خواهند بود.
- پس از عقد، خویشان شوهر به درجه همان قرابتی كه با وی دارند، بستگان زن نیز تلقی شده و خویشان زن نیز متقابلاً از اقرای شوهر می‌شوند. البته خویشان زن با اقوام شوهر هیچ گونه قرابتی ندارند.

آثار قرابت سببی

- آثار مالی: در قرابت سببی رابطه مالی فقط بین زن و شوهر (ارث، نفقه، مهریه) وجود دارد در غیر این مورد قرابت سببی اثر مالی ندارد.
- ممنوعیت ازدواج به موجب قرابت سببی:
 - در مورد قرابت سببی از حیث ایجاد حرمت در نکاح، تفاوتی بین نکاح دائم و موقت وجود ندارد. بنابراین به عنوان مثال چنانچه مردی با زنی حتی به طور موقت ازدواج کند، نکاح با مادر و جدات آن زن (اعم از پدری و مادری) حرام ابدی خواهد بود.
 - کسانی که نکاح با آنان به موجب قرابت سببی ممنوع شده است، به سه دسته ذیل قابل تقسیم هستند:
 - کسانی که نکاح با آنان عیناً ممنوع است، یعنی به محض ایجاد قرابت، حرمت ابدی تحقق می‌یابد؛ مانند مادر زن. (ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی)
 - کسانی که نکاح آنان جمعا ممنوع است، یعنی نکاح بر فرض وجود و بقای قرابت ممنوع است، مانند خواهر زن. (ماده ۱۰۴۸ قانون مدنی)
 - کسانی که نکاح آنان بدون اذن همسر ممنوع است، مانند ازدواج با دختر برادر زن یا دختر خواهر زن. (ماده ۱۰۴۹ قانون مدنی)
- رد دادرسی: مطابق ماده ۹۱ آیین دادرسی مدنی دادرسی در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز می‌توانند او را رد کنند.
 - قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر مطابقه بین دادرسی با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد.
 - دادرسی قیّم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرسی یا همسر او باشد.
 - دادرسی یا همسر یا فرزند او ، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد.
 - بین دادرسی و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یادر سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.
 - دادرسی یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروح باشند.
- رد داور: مطابق ماده ۴۶۹ آیین دادرسی مدنی دادگاه نمی‌تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین:
 - کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از مطابقه سوم داشته باشند .
 - کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند.
 - کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از مطابقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند ، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند .
 - کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقرای سببی یا نسبی تا درجه دوم از مطابقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقرای نسبی یا سببی تا درجه دوم از مطابقه سوم او دادرسی مدنی دارند.

- ممنوعیت اجرای حکم: مطابق ماده ۱۸ قانون اجرای احکام مدنی مدیران و دادورزها (مأمورین اجرا) در موارد زیر نمی‌توانند قبول مأموریت نمایند:
 - امر اجرا راجع به همسر آنها باشد.
 - امر اجرا راجع به اشخاصی باشد که مدیر و یا دادورز (مأمور اجرا) با آنان قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد.
 - وقتی که امر اجرا راجع به کسانی باشد که بین آنان و مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) یا همسر آنان دعوی مدنی یا کیفری مطرح است.

قرابت رضاعی

قرابت رضاعی نوعی از خویشاوندی است که میان زنی (به جز مادر) که به طفلی شیر داده است با فرد و خویشان و اقربای او حاصل می‌شود.

- شرایط به وجود آمدن قرابت رضاعی:
 ۱. شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد.
 ۲. شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد.
 ۳. طفل لااقل یک شبانه‌روز یا ۱۵ روز متوالی شیر کامل خورده باشد.
 ۴. شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد.
 ۵. مقدار شیری که طفل خورده است، از یک زن و یک شوهر باشد.
- قرابت رضاعی از حیث ایجاد حرمت در نکاح، در حکم قرابت نسبی است. قرابت رضاعی در دیگر قواعد مربوط به خویشاوندی مانند توارث و الزام به دادن نفقه در آن راه ندارد.

قرابت ناشی از سرپرستی اطفال

امکان سرپرستی از کودکان بی سرپرست

- هر زن و شوهر مقیم ایران می‌توانند با توافق یکدیگر، طفلی را با تصویب دادگاه و مطابق مقررات این قانون سرپرستی نمایند.
 - سرپرستی به منظور تأمین منافع مادی و معنوی طفل برقرار می‌گردد ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود.
- نحوه احراز سرپرستی
- تقاضانامه سرپرستی باید مشترکاً از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود و دادگاه در صورت احراز شرایط قرار سرپرستی طفل را برای دوره آزمایشی صادر می‌کند
 - شرایطی که دادگاه باید احراز کند عبارتند از:
 ۱. وجود رابطه نکاح بین زن و مرد متقاضی سرپرستی
 ۲. اقامت زوجین در ایران
 ۳. توافق زوجین برای سرپرستی
 ۴. پنج سال تمام از تاریخ ازدواج آنها گذشته و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند. مگر زوجین به دلایل پزشکی نتوانند صاحب فرزند شوند و دادگاه می‌تواند آنان را از این شرط معاف نماید.
 ۵. سن یکی از زوجین حداقل ۳۰ سال تمام باشد. مگر زوجین به دلایل پزشکی نتوانند صاحب فرزند شوند و دادگاه می‌تواند آنان را از این شرط معاف نماید.
 ۶. هیچ یک از زوجین دارای محکومیت جزائی مؤثر به علت ارتکاب جرائم عمدی نباشند.
 ۷. هیچ یک از زوجین محجور نباشند.
 ۸. زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند.

۹. زوجین یا یکی از آنها دارای امکان مالی باشند.
 ۱۰. هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماری های واگیر صعب العلاج نباشند.
 ۱۱. هیچ یک از زوجین معتاد به الکل یا مواد مخدر و سایر اعتیادات مضر نباشند.
- طفلی که برای سرپرستی سپرده می شود باید دارای شرایط زیر باشد:
 ۱. سن طفل از ۱۲ سال تمام کمتر باشد.
 ۲. هیچ یک از پدر یا جد پدری یا مادر طفل شناخته نشده یا در قید حیات نباشند و یا کودکانی باشند که به مؤسسه عام المنفعه سپرده شده و سه سال تمام پدر یا مادر یا جد پدری او مراجعه نکرده باشند.
 - بارداری شدن زوجه با تولد کودک در خانواده سرپرست در دوران آزمایشی یا پس از صدور حکم موجب فسخ سرپرستی نخواهد بود.
- آیین رسیدگی به تقاضای سرپرستی**
- قبل از صدور حکم سرپرستی دادگاه با کسب نظر مؤسسه یا شخصی که کودک تحت سرپرستی موقت اوست طفل را با صدور قرار دوره آزمایشی به مدت شش ماه به زوجین سرپرست خواهد سپرد. عدم موافقت افراد یا مؤسسات مذکور در صورتی که به تشخیص دادگاه به مصلحت کودک نباشد قابل ترتیب اثر نخواهد بود.
 - در مدت دوره آزمایشی دادگاه مجاز است بنا به تقاضای دادستان یا انجمن ملی حمایت کودکان یا مؤسسه ای که طفل قبلاً در آنجا تحت سرپرستی بوده است و یا رأساً در اثر تحقیق به وسائل مقتضی دیگر قرار صادره را فسخ نماید.
 - زوجین سرپرست در مدت آزمایشی حق دارند انصراف خود را اعلام کنند و در این صورت دادگاه قرار صادره را فسخ خواهد نمود.
 - قرار دادگاه در مورد برقراری دوره آزمایشی و فسخ آن فقط قابل تجدیدنظر است. اما احکام صادره در کلیه امور مربوط به سرپرستی قابل رسیدگی پژوهشی و فرجامی است.
 - دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر خواهد نمود که درخواست کنندگان سرپرستی به کیفیت اطمینان بخشی در صورت فوت خود هزینه ترتیب و نگهداری و تحصیل طفل را تا رسیدن به سن بلوغ تأمین نمایند.
 - هرگاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به طفل تحت سرپرستی، صلح شده باشد در صورت فوت طفل وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد.
 - دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به کلیه امور مربوط به سرپرستی دادگاه خانواده محل اقامت درخواست کننده است.
 - دادگاه از نظر رسیدگی به امر سرپرستی، تابع مقررات قانون حمایت خانواده است.
 - متقاضیان می توانند با تصویب دادگاه و با رعایت مقررات کودکان متعددی را سرپرستی نمایند.
 - وظایف و تکالیف سرپرست و طفل سرپرستی او از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است. اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل صغیر به عهده سرپرست خواهد بود مگر آن که دادگاه ترتیب دیگری اتخاذ نماید.
 - در مواردی که اختلاف زناشویی زوجین سرپرست منجر به صدور گواهی عدم امکان سازش می شود دادگاه در مورد طفل تحت سرپرستی به ترتیب مقرر در قانون حمایت خانواده اقدام خواهد کرد.
 - مقررات قانون احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در مورد فرزند خواندگی رعایت می گردد.
 - مفاد حکم قطعی سرپرستی به اداره ثبت احوال ابلاغ و در اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه جدیدی برای طفل فقط با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج صادر خواهد شد.

- خروج طفل صغیری که برای سرپرستی به کسی سپرده شده در دوره آزمایشی از کشور منوط به موافقت دادستان محل خواهد بود.
- سرپرستی شود فقط در موارد ذیل قابل فسخ است:
 ۱. تقاضای دادستان در صورتی که سوء رفتار یا عدم اهلیت و شایستگی هر یک از زوجین سرپرست برای نگهداری و تربیت طفل تحت سرپرستی محرز باشد.
 ۲. تقاضای سرپرست در صورتی که سوء رفتار طفل برای هر یک از آنان غیر قابل تحمل باشد همچنین در موردی که سرپرست قدرت و استطاعت برای تربیت و نگهداری طفل را از دست داده باشد.
 ۳. توافق طفل بعد از رسیدن به سن کبر با زوجین سرپرست یا موافقت زوجین سرپرست با پدر و مادر واقعی طفل صغیر.
- قبل از صدور حکم فسخ سرپرستی دادگاه در هر مورد سعی خواهد نمود که اقدامات لازم در جهت سرپرستی به عمل آورد. در صورت صدور حکم فسخ سرپرستی و قطعیت آن مراتب به وسیله دادگاه صادر کننده حکم برای تصحیح شناسنامه و اسناد مربوط به اداره ثبت احوال اعلام می شود.

انواع نسب

انواع نسب نسب را در چهار گروه تقسیم بندی کرد:

- ۱- نسب مشروع
- ۲- نسب ناشی از شبهه
- ۳- نسب ناشی از تلقیح مصنوعی
- ۴- نسب ناشی از زنا

نفی نسب

نفی نسب ممکن است کسی که ظاهراً با دیگری قرابت نسبی دارد اقدام به نفی نسب کند، قرابتی که مورد انکار واقع می شود ممکن است قرابت در خط مستقیم قرابت در خطر اطراف باشد.

نفی ولد

- نفی ولد نفی نسب به وسیله پدر را اصطلاحاً نفی ولد گویند که معمولاً از طریق اثبات خلاف اماره فراش تحقق می یابد.
- چنانچه نفی ولد در موردی باشد که اماره فراش جاری نمی شود، مثلاً طفل در فاصله کمتر از ۶ ماه بعد از نکاح به دنیا آمده باشد، این طفل به شوهر زن ملحق نخواهد شد.
 - اماره فراش جزء امارات قانونی است و زمانی معتبر است که خلاف آن ثابت نشود و در صورت وجود دلیلی بر خلاف آن می توان نفی ولد کرد.

نفی ولد از طریق لعان

- لعان نوعی سوگند است که در موردی که شوهر نسبت زن را به زوجه دائمه دهد یا طفل متولد از او را از خود نفی کند، می توان به آن متوسل شد.

آثار لعان

- ۱- نکاح بین زوجین منفسخ خواهد شد.
- ۲- ازدواج مجدد بین زن و شوهر برای همیشه ممنوع خواهد شد.
- ۳- فرزند مورد لعان به پدر و خویشان پدری منتسب نمی شود، بعد از لعان زن و فرزند از شوهر ارث نمی برند لیکن نسب او به مادر و خویشان مادری منتفی نخواهد شد (ماده ۸۸۲ق.م).

▪ رجوع از لعان: در صورت رجوع پدر از لعان، فرزند از او ارث می برد اما از خویشان پدر ارث نمی برد، همچنانکه پدر و خویشان پدری از او ارث نمی برند.

نفی ولد شهادت و کارشناسی ممکن است پدر از طریق آزمایش پزشکی ثابت کند که نطفه او فاقد ماده حیاتی است یا دچار ناتوانی جنسی است یا با استفاده از آزمایش خون اثبات نماید که گروه خونی او و طفل متفاوت است که در این موارد تشخیص ارزش کارشناسی با دادرس است. اگر دادرس کارشناسی را بپذیرد رای او بر مبنا و استناد علم قاضی خواهد بود.

حدود دعوای نفی ولد قانون گذار در راه مصلحت طفل دعوای نفی ولد را از دو راه محدود کرده است:

۱- اقرار به ابوت مانع استماع نفی ولد است.

۲- مدت مرور زمان دعوای نفی ولد کوتاه و حداکثر دو ماه است.

اقرار به ابوت هرگاه شوهر صریحاً یا ضمناً اقرار به پدری خود کرده باشد، دیگر نمی تواند نفی ولد کند (ماده ۱۶۱ ق.م). مثل اینکه ضمن نامه یا سندی صریحاً خود را پدر طفل یا او را فرزند خود خوانده باشد و یا پس از تولد او در زایشگاه حضور یافته بطور ضمنی و از تولد فرزند اظهار رضایت کند. البته حضور پدر هنگام تولد طفل و سکوت او اقرار ضمنی به نسب محسوب نمی شود، چون سکوت محض اقرار محسوب نمی شود.

مهلت اقامه دعوی

▪ دعوی نفی ولد پس از انقضای ۲ ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد مسموع نخواهد بود. (ماده ۱۶۲ ق.م)

▪ در موردی که شوهر مطلع از تاریخ تولد حقیقی طفل نبوده و تاریخ تولد را بر او مشتبه نموده باشند، به نوعی موجب الحاق طفل به او باشد، مدت مرور زمان دعوای نفی ۲ ماه از تاریخ کشف خدعه خواهد بود. (ماده ۱۶۳ ق.م)

▪ دادستان می تواند تا تعیین تکلیف قطعی و روشن شدن و وضع نسب موقت برای طفل تعیین کند و نیز ممکن است دعوای نفی ولد بر دادستان اقامه شود، چه حفظ حقوق صغیری که ولی خاص ندارد بر عهده دادستان است.

▪ در دعوای نفی ولد مادر طفل همیشه نقش خوانده را دارد.

نفی نسب به وسیله غیر شوهر

نفی نسب به وسیله غیر شوهر اشخاص دیگر که ظاهراً منتسب به طفل هستند می توانند نفی نسب کنند و به طور کلی هر شخص ذی نفع حق اقامه چنین دعوایی دارد.

▪ نفی نسب از جانب فرزند یا نوه و نیز به وسیله اقربای خط اطراف نیز ممکن است.

▪ نفی نسب اختصاص به مورد صغیر ندارد و وجود رابطه نسب با شخص کبیر را نیز به مناسبت ارث می توان انکار کرد.

ادله مورد قبول در نفی ولد

▪ دعوای نفی نسب به وسیله شخصی غیر از پدر ظاهری با هر یک از ادله اثبات دعوی قابل اثبات است.

▪ مهلت مقرر برای دعوای نفی ولد در مورد شخصی غیر از پدر ظاهری جاری نمی شود و فساد یا کذب اقرار به نسب را به هر دلیلی می توان ثابت کرد.

▪ بنابر نظر شورای نگهبان دعوای نفی نسب با شهادت شهود حتی اگر برخلاف مندرجات شناسنامه باشد قابل اثبات است.

اقرار به نسب

اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر به ضرر خود. بنابراین اگر اقرار به زیان دیگری باشد موثر در مقام دعوا نیست.

▪ اقرار به نسب هم به سود و هم به زیان اقرار کننده است.

▪ شرایط اقرار به نسب: اقرار به نسب در صورتی صحیح است که:

۱. تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد.

۲. کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند، مگر در مورد صغیری که اقرار به فرزند او شده به شرط آنکه منازعی نباشد.

- اگر دو زن اقرار به فرزندی صغیر نمایند، چون اقرار هر یک معارض اقرار دیگری است به هیچ یک از این دو اقرار نمی توان ترتیب اثر داد.

اقرار به فرزندی کبیر دیوانه

- اقرار به فرزندی کبیر دیوانه (دائمی) در صورتی که منازعی در میان نباشد، درست است و تصدیق او شرط نیست.
- در صورتی که مجنون بعد از اقرار به نسب بهبود یابد و آن را انکار کند این انکار مسموع نخواهد بود.
- در مورد مجنون ادواری تصدیق او در حال افافه شرط ثبوت نسب است.
- اقرار به خویشاوندی عبارت از اقرار به قرابت با کسی است که فرزند بلاواسطه اقرار کننده نیست و هنگامی معتبر است که مقله آن را تصدیق کند، اگر مقله صغیر باشد باید آن را بعد از رسیدن به سن بلوغ تصدیق نماید.

آثار اقرار به نسب

- در مورد اقرار به نسب فرزندی، اثر اقرار ثبوت رابطه نسب با تمام آثار آن است. این اقرار نه فقط بین اقرار کننده و مقله موثر است بلکه نسبت به دیگران نیز تاثیر خواهد داشت.
- در مورد اقرار به خویشاوندی، اقرار در صورتی که واجد شرایط صحت باشد فقط در رابطه بین اقرار کننده و مقله که آن را تصدیق کرده موثر است و نسبت به دیگران تاثیر ندارند، مگر آنان نیز اقرار را تصدیق کنند.

نسب ناشی از شبهه

- **وطی به شبهه** اگر مردی با زنی نزدیکی کند به تصور اینکه بین آنها رابطه زوجیت وجود دارد، حال آنکه چنین رابطه ای وجود ندارد، این عمل را نزدیکی به شبهه گویند.
- **ولد شبهه** فرزند حاصل از وطی به شبهه را ولد شبهه و نسب ناشی از شبهه گویند. لذا نزدیکی دیوانه و کسی که در خواب است نیز در این مفهوم خواهد بود.

اقسام شبهه

- **شبهه حکمی:** عبارت از اشتباه در قانون است. هر گاه کسی بر اثر جهل به قانون با کسی که همسر قانونی او نیست نزدیکی کند این اشتباه شبهه حکمی است. مثلاً مردی با زنی که در عده است ازدواج کند و یا شخصی با رضایت دیگری با او نزدیکی کند به تصور اینکه همین تراضی عمل کافی برای ازدواج است.
- **شبهه موضوعی:** عبارت از اشتباه در موضوع حکم است نه در حکم. مثلاً مرد می داند که ازدواج با زنی که در عده دیگری است ممنوع است لیکن با زنی که در عده است ازدواج می کند به تصور اینکه عده اش سپری شده است.

شبهه در عقد و شبهه در وطی

- شبهه ممکن است در عقد باشد، به این معنی که بر اثر اشتباه عقد صورت گرفته باشد
- شبهه ممکن است در وطی باشد، بدین معنی که بدون عقد نزدیکی به شبهه صورت گیرد. مثلاً مرد نابینایی با یک زن بیگانه به تصور آن که زوجه اوست نزدیکی کند.
- هر گاه به واسطه وجود مانعی، نکاح بین ابوبن طفل باطل باشد، نسب طفل به هر یک از ابوبن که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت به دیگر نامشروع است و در صورت چهل هر دو نسب طفل نسبت به هر دو مشروع است. (ماده ۱۱۶۶ ق.م)
- هر گاه شخصی در حال جنون یا خواب یا در نتیجه اکراه نزدیکی کند، این عمل وطی به شبهه یا در حکم آن است.

اجرای اماره فراش در مورد شبهه

- چون نزدیکی به شبهه در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است، بنابراین نسب پدری را در اینجا نیز با اماره فراش می توان ثابت کرد، البته در وطی به شبهه فراش واقعی وجود ندارد و فقط حکم فراش جاری است.

- اگر مادر طفل عالم به فقدان رابطه زوجیت در موقع نزدیکی باشد، در اثبات نسب پدری طفل می توان به اماره فراش استناد کرد.
- فروض مختلف برای اجرای قاعده فراش در مورد نزدیکی به شبهه:
- نزدیکی به شبهه با زن شوهر دار: در این مورد اگر طفلی از زن به دنیا آید با توجه به حداقل و حداکثر مدت حمل مورد الحاق طفل به شوهر یا به واطی به شبهه چهار فرض می توان تصور کرد:
 - ۱- الحاق طفل به هیچ یک از شوهر یا به واطی به شبهه ممکن نیست، در این صورت طفل به هیچ یک ملحق نخواهد شد.
 - ۲- الحاق طفل فقط به شوهر ممکن است، چنانچه فاصله بین ازدواج و تولد طفل بیش از شش ماه ولی فاصله بین نزدیکی به شبهه و تولد کمتر از شش ماه یا بیشتر از ۱۰ ماه است.
 - ۳- الحاق طفل فقط به واطی به شبهه ممکن است، مثلاً هنگامی که طفل به دنیا می آید از تاریخ نزدیکی شوهر بازن کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه گذشته یا ثابت شده که نطفه شوهر فاقد ماده حیاتی است.
 - ۴- الحاق طفل به هر یک از شوهر و واطی به شبهه ممکن است، چنانچه طفل پس از هشت ماه از تاریخ نزدیکی شوهر و نه ماه از زمان نزدیکی به شبهه متولد میشود. در این مورد قول اقوی الحاق طفل به شوهر است.
- نزدیکی به شبهه با زن آزاد: در این مورد زن اصلاً زوجه دیگری نبوده و یا قبلاً در حباله نکاح مشخص دیگری بوده و از تاریخ انحلال نکاح تا ولادت طفل بیش از ده ماه گذشته که در این دو مورد با توجه به اماره فراش طفل ملحق به واطی است. اما چنانچه زن سابقاً زوجه دیگری بوده و از تاریخ انحلال نکاح تا تولد طفل بیش از ۱۰ ماه نگذشته است، طفل به شوهر سابق ملحق می شود.
- نزدیکی دو نفر به شبهه با یک زن: در این مورد چنانچه از زمان نزدیکی هر دو نفر تا تولد طفل کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد اماره فراش منور تعارض قرار می گیرد و باید دلایل دیگر مانند اقرار یا آزمایشهای پزشکی نسب طفل را تعیین کرد. و هر گاه دلیلی برای الحاق طفل به هیچ یک نباشد، انتساب طفل به هیچ یک ثابت نمی گردد.
- نزدیک به شبهه و زنا: هر گاه دو نفر یکی به شبهه و دیگری به زنا با زنی نزدیکی کرده باشند، با رعایت حداقل و حداکثر مدت حمل اماره فراش فقط در مورد واطی به شبهه جاری و طفل فقط به او ملحق می شود.
- نزدیکی به شبهه با محارم: هر گاه شخصی به شبهه با یکی از محارم نسبی، سببی یا رضاعی خود نزدیکی کند و طفلی از آن به دنیا آید می توان طفل را ملحق به اشتباه کننده دانست.

تلقیح مصنوعی

- تعریف تلقیح مصنوعی بارور کردن زن با اسپرم ماخوذه از مرد بدون نزدیکی طبیعی است.
- تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر: در صورتی که شوهر نتواند با زن نزدیک کند و صاحب فرزند شود ولی عقیم نبوده و نطفه اش دارای ماده حیاتی باشد ممکن است تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر انجام شود، طفلی که از این طریق به دنیایم آید ملحق به شوهر و زن خواهد بود و نسب او باید مشروع تلقی شود.
 - تلقیح مصنوعی با نطفه غیر شوهر: هر گاه تلقیح مصنوعی با نطفه شخصی غیر شوهر باشد باید رابطه حقوقی طفل را با مادر و صاحب نطفه و شوهر زن بررسی کرد.
 - رابطه طفل با مادر: طفل فقط در صورتی به مادر خود ملحق نمی شود که مادر زناکار محسوب گردد و مورد لقاح مصنوعی، اعم از اینکه زن جاهل یا عالم به آن باشد، زنا صدق نمی کند و طفل ملحق به مادر است.
 - رابطه طفل با صاحب نطفه: چنانچه بعضی از فقها گفته اند می توان قائل به الحق طفل به پدر طبیعی خود شد اعم از اینکه عالم بادش یا جاهل به لقاح باشد.
 - رابطه طفل با شوهر زن: در این مورد چون طفل از نطفه شوهر زن نیست با او رابطه نسب نخواهد داشت، لیکن مطابق قاعده فراش در این مورد نیز ظاهراً طفل ملحق به شوهر خواهد بود، مگر اینکه ثابت شود که از نطفه مرد دیگر است.

انتقال جنین

- جواز یا ممنوعیت انتقال جنین: هرگاه زن و شوهری به طور طبیعی صاحب فرزند شوند و جنین در خارج از رحم تشکیل گردد چه از نطفه اجنبی و چه از نطفه زن و شوهر، نامشروع و غیرقانونی نیست.
- قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور:
- به موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین‌های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند.
- تقاضای دریافت جنین اهدایی باید مشترکاً از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود و دادگاه در صورت احراز شرایط ذیل مجوز دریافت جنین را صادر می‌کند:
 - ۱- زوجین بنا به گواهی معتبر پزشکی، امکان بچه‌دار شدن نداشته باشند و زوجه استعداد دریافت جنین را داشته باشد.
 - ۲- زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند.
 - ۳- هیچ‌یک از زوجین محجور نباشند.
 - ۴- هیچ‌یک از زوجین مبتلا به بیماریهای صعب‌العلاج نباشند.
 - ۵- هیچ‌یک از زوجین معتاد به مواد مخدر نباشند.
 - ۶- زوجین بایستی تابعیت جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند.
- وظایف و تکالیف زوجین اهداء گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است.
- برر سی صلاحیت زوجین متقاضی در محاکم خانواده، خارج از نوبت وبدون رعایت تشریفات آئین دادر سی مدنی صورت خواهد گرفت و عدم تأیید صلاحیت زوجین قابل تجدیدنظر می‌باشد.
- صحت یا بطلان قرارداد تولید مثل برای دیگری (اجاره رحم): در این مورد قرارداد مزبور نوعی تجاوز به حریم زندگی مشترک زوجین و کانون خانواده است و به حقوق معنوی زن و شوهر و صاحب رحم لطمه می‌زند، لذا چنین قراردادی بر خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است.
- رابطه حقوقی طفل با اشخاص دینفع از لحاظ نسب: در مورد نسب اطفال، حقوق ایران اصولاً رابطه طبیعی و ژنتیکی را مبنا قرار داده، یعنی طفل را ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است. لیکن از آنجا که تولید مثل با روش مصنوعی زنا به شمار نمی‌آید، در الحاق طفل به پدر و مادر ژنتیکی یعنی صاحب اسپرم و تخمک اشکالی نیست.
- در مورد انتساب جنین آزمایشگاهی به زنی که او را در رحم خود پرورش داده، طفل به او ملحق و منتسب می‌گردد و رابطه نسب مشروع با کلیه آثار حقوقی آن برقرار می‌شود.
- در صورتی که صاحب رحم شوهر داشته باشد و نطفه از آن او نباشد نمی‌توان طفل را به شوهر منتسب کرد، البته اگر طفل دختر باشد شوهر زن نمی‌تواند با او ازدواج کند و این دختر از محارم نسبی شوهر به شمار می‌آید.

نسب ناشی از زنا (نسب نامشروع)

تعریف و ارکان زنا

- زنا: عبارت است از نزدیکی شخص بالغ و عاقل با زنی که بر او حرام است، بدون اینکه عقد نکاح یا شبهه وجود داشته باشد، با علم به حرمت نزدیکی و اختیار.

▪ ارکان زنا:

- ۱- باید نزدیکی واقع شده باشد: نزدیکی با ادخال حشفه در قبل و دبر تحقق می یابد، لذا تفخیز زنا به شمار نمی آید و طفل ناشی از آن ولد زنا تلقی نمی شود.
- ۲- نزدیکی کننده باید بالغ باشد و دخول نابالغ زنا محسوب نمی گردد.
- ۳- نزدیکی کننده باید عاقل باشد: پس نزدیک مجنون زنا نیست و فرزند ناشی از آن ولد زنا به شمار نمی آید.
- ۴- نزدیک باید با زن صورت گرفته باشد.
- ۵- زن باید بر مرد حرام باشد، اعم از اینکه شوهر داشته یا بی شوهر باشد، از محارم نسبی، سببی یا رضاعی مرد باشد یا نه.
- ۶- باید عقد و شبهه ای وجود نداشته باشد.
- ۷- نزدیکی کننده باید مختار باشد.

عدم الحاق ولد زنا به زانی

- ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی و معنای آن: مطابق این ماده طفل حاصل از زنا به زنا کار ملحق نمی شود و اگر این یکی از طرفین عملش به علت شبهه یا اگره باشد طفل تنها به او ملحق می شود. مبنای این قاعده: الولد للفراش و للعاهر الحجر، می باشد.

وضع حقوقی اطفال نامشروع

- منع نکاح: در مورد منع نکاح، قانون مدنی نسبت نامشروع را در ردیف نسب مشروع قرار داده و تفاوتی بین این دو نسب قائل نشده است.
- ارث: ولد زنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی برد و اگر عمل یکی از والدین به واسطه اکراه یا شبهه باشد، طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می برند بالعکس. (ماده ۸۸۴ ق.م.)
- آثار دیگر نسب: مطابق رای وحدت رویه، حقوق و تکالیف ابویین طبیعی، مثل حضانت و ولایت و نفقه باقی است و اعلام ولادت به اداره ثبت احوال و اخذ شناسنامه با نام پدر برای فرزند نامشروع اجباری است.

آثار نسب

نگاهداری و تربیت اطفال

حضانت

- حضانت عبارتست از ولایت و سلطنت بر تربیت و متعلقات آن از قبیل نگهداری کودک، گذاردن او در بستر، سرمه کشیدن، پاکیزه کردن، شستن جامه های او و مانند آن و لذا حضانت بیشتر ناظر به حمایت جسمی از کودک است.
- شخصی که حضانت طفل به او واگذار می شود باید آزاد، مسلمان و امین باشد.
- هر گاه تنها یکی از والدین زنده باشد و حضانت هم به او واگذار شده باشد، کسب اجازه از دادگاه برای فرستادن طفل به شهر دیگر یا خارج کشور لازم نخواهد بود.
- مادر مجبور نیست که طفل خود شیر دهد، مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد و می تواند برای این کار اجرت بگیرد که یا از دارایی هایی طفل تأمین می شود و در صورت نبود، اجرت از باب نفقه برعهده شوهر است، اما اگر اجرتی که مادر می خواهد بیشتر باشد پدر می تواند رضاع را به دیگری واگذار نمایند و مادر حق تقدم نخواهد داشت. (ماده ۱۱۷۶ ق.م.)
- حضانت هم حق است و هم تکلیف:
- نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است. (ماده ۱۱۶۸ ق.م.)
- هیچ یک از ابویین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده ی آنهاست از نگهداری او امتناع کنند، در صورت امتناع یکی از ابویین، حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم، نگهداری طفل را به هر یک از ابویین که حضانت به عهده ی اوست الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هر گاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند. (ماده ۱۱۷۲ ق.م.)

- دارنده حضانت نمی تواند آن را عنوان عوض در طلاق خلع قرار دهد.
 - اشخاصی که عهده دار حضانت هستند: حضانت در درجه اول حق و تکلیف طبیعی و قانونی پدر و مادر است که طفل را به دنیا آورده اند، تا زمانی که طفل به سن بلوغ نرسیده باشد.
 - اولویت هر یک از پدر و مادر:
 - برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوبین او جدا از یکدیگر زندگی می کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. (ماده ۱۱۶۹ ق.م.)
 - بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می باشد. (تبصره ماده ۱۱۶۹ ق.م.)
 - سلب حضانت از دارنده اولویت:
 - هر گاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او ست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضاییه تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.
 - موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:
 ۱. اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار
 ۲. اشتهار به فساد اخلاق و فحش
 ۳. ابتلا به بیماری های روانی یا تشخیص پزشکی قانونی
 ۴. سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی گری و قاچاق
 ۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف
 - پس از صدور گواهی عدم امکان سازش برای طلاق، دادگاه می تواند به اختیار شخص مناسبی را جهت حضانت انتخاب کند. (ماده ۱۱۷۱ ق.م.)
 - در صورت فوت یکی از ابوبین حضانت طفل با آنکه زنده است، خواهد بود، هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد.
 - حضانت فرزندان که پدرشان فوت شده با مادر آن ها است مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد.
 - در صورت جنون پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او ست، حضانت ساقط می شود و نگهداری طفل با دیگری خواهد بود و چنانچه بعد از مدتی جنون بهبود یابد مطابق نظره فقهای امامیه پدر یا مادر می تواند حق خود را دوباره اعمال کند. (ماده ۱۱۷۰ ق.م.)
 - هرگاه مادری که حضانت طفل با اوست با دیگری شوهر کند، نگهداری طفل به پدر واگذار می شود، ولی چنانچه دادگاه تشخیص دهد که مادر بعد از ازدواج هم صلاحیت نگهداری از وی را دارد و حضانت را به مادر خواهد داد.
- حضانت طفل بعد از فوت پدر و مادر**
- در صورتی که طفل قوم و خویشی نداشته باشد، در آخرین مرحله نگهداری طفل واجب کفائی است.
 - مطابق اصول حقوقی پس از پدر و مادر حضانت با جد پدری طفل است و در صورت فقدان جد پدری باید حضانت را به وصى منصوب از طرف پدر یا جد پدری در صورت اختیار داشتن واگذار کرد و در صورت نبودن وصى مواظبت شخص با قیم است.
- شرایط حضانت:**
۱. بلوغ

۲. عقل

۳. توانایی

۴. شایستگی اخلاقی

۵. عدم ازدواج مادر با شخص دیگر

۶. اسلام

- ابتلاء به بیماری واگیردار باعث سقوط حضانت نمی شود.
- اجرای حکم حضانت تا زمانی که در حکم قطعی دادگاه معین گردیده استمرار دارد و اجرای احکام دادگاه باید پرونده اجرایی ویژه آن را تشکیل دهد و هر زمان نیاز به پیگیری باشد، اقدام نماید.
- مدت حضانت: برای حضانت طفل که ابوبین او جدا از هم زندگی می کنند، دادگاه به تقاضای مدعی العموم، نگهداری طفل را به هر یک از ابوبین که حضانت به عهده‌ی او ست الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هر گاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند.
- اگر حضانت طفل به کسی غیر از پدر و مادر محول شود، چون عمل او محترم است به وی اجرت تعلق می گیرد.

ضمانت اجرای حضانت

- هرکس از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت طفل استنکاف کند یا مانع اجرای آن شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد، حسب تقاضای ذی نفع و به دستور دادگاه صادرکننده رأی نخستین تا زمان اجرای حکم بازداشت می شود. (ماده ۴۰ ق.ج.خ ۹۲)
- اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است امتناع کند، به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم می گردد. (ماده ۲۳ ق.م.ا) هرگاه مسؤول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور محکوم می شود. (ماده ۵۴ ق.ج.خ ۹۲)

حق ملاقات

حق ملاقات در قانون مدنی

- در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر ابوبین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند هر یک از ابوبین که طفل تحت حضانت او نمی باشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه به آن ها در صورت اختلاف بین ابوبین با محکمه است. (ماده ۱۱۷۴ ق.م)
- تعیین مکان و زمان ملاقات با محکمه صلاحیت دار محل اقامت کسی است که طفل تحت حضانت اوست.
- هرگاه دادگاه تشخیص دهد توافقات راجع به ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل برخلاف مصلحت او است یا در صورتی که مسؤول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند و یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت با اشخاص ذی حق شود، می تواند در خصوص اموری از قبیل واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش بینی حدود نظارت وی با رعایت مصلحت طفل تصمیم مقتضی اتخاذ کند. (ماده ۴۱ ق.ج.خ ۹۲)
- قوه قضائیه مکلف است برای نحوه ملاقات والدین با طفل ساز و کار مناسب با مصالح خانواده و کودک را فراهم نماید. (تبصره - ماده ۴۱ ق.ج.خ ۹۲)
- در مواردی که طفل به هر دلیل از ملاقات امتناع می کند، اجرای احکام باید با هماهنگی با دادگاه تدابیر لازم از جمله ارجاع موضوع به مددکار اجتماعی یا مرکز مشاوره خانواده برای جلب تمایل طفل به ملاقات اتخاذ نماید. اگر با توجه به نظر مشاور روانشناس مرکز فوق و قرائن موجود برای دادگاه محرز شود اجرای حکم حضانت یا ملاقات کودک به سلامت روانی وی آسیب

وارد خواهد کرد، اجرای احکام می تواند با کسب موافقت دادگاه تا فراهم شدن آمادگی طفل، اجرای حکم را به تأخیر اندازد. (ماده ۲۳ آیین نامه ق.ج.خ)

- صغیر و مجنون را نمی توان بدون رضایت ولی، قیم، مادر یا شخصی که حضانت و نگهداری آنان به او واگذار شده است از محل اقامت مقرر بین طرفین یا محل اقامت قبل از وقوع طلاق به محل دیگر یا خارج از کشور فرستاد، مگر اینکه دادگاه آن را به مصلحت صغیر و مجنون بداند و با در نظر گرفتن حق ملاقات اشخاص ذی حق این امر را اجازه دهد. دادگاه در صورت موافقت با خارج کردن صغیر و مجنون از کشور، بنابر درخواست ذی نفع، برای تضمین بازگرداندن صغیر و مجنون تأمین مناسبی اخذ می کند. (ماده ۴۲ ق.ج.خ ۹۲)

تربیت اطفال

وظیفه تربیت اطفال

- تربیت در اصطلاح حقوقی به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال استعمال شده است.
- ابوبن مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن ها را مهمل بگذارند.
- در صورت فقدان پدر و مادر، جد پدری و پس از او وصی و در صورت نبودن وصی، قیم عهده دار تربیت طفل می باشند.
- ابوبن حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیبه، تنبیه نمایند.
- درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آن ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند:
 - تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیبه و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.
 - هرگاه دادگاه مصلحت بداند می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:
 ۱. معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان
 ۲. فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی
 ۳. اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک
 ۴. جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه
 ۵. جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین
 - تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند قبلی در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن ها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳ قانون مدنی)
 - تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.
 - نصیحت به وسیله قاضی دادگاه
 - اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم
 - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج
 - سقوط حق و تکلیف تربیت : در موارد زیر حقوق و تکالیف مربوط به تربیت ساقط می گردد:
 ۱. جنون ابوبن (مواد ۱۱۷۰ و ۱۱۸۲ ق.م)
 ۲. عدم مواظبت و انحطاط اخلاقی ابوبن
 ۳. کفر

- **فرق حضانت و تربیت :** بین حضانت و تربیت می توان از جهات زیر تفاوت قائل شد:
 ۱. از جهت موضوع: از این حیث امری مادی و تربیت امری معنوی است.
 ۲. از جهت زمان شروع تکلیف: تکلیف حضانت با ولادت طفل آغاز می شود اما تکلیف تربیت مدنی بعد از ولایت آغاز می گردد.
 ۳. از جهت ضمانت اجرا: تکلیف حضانت از لحاظ ضمانت اجرا از تربیت قوی تر و جدی تر است.

ولایت قهری

ولایت قدرت و اختیاری است که برابر قانون به یک شخص ذی صلاح برای اداره امور محجور واگذار شده است.

- اقسام ولایت:
 - ولایت به حکم مستقیم قانون (ولایت قهری).
 - ولایت به موجب وصایت (ولی خاص)
- هر گاه محجور ولی خاص نداشته و ولایت از طرف دادگاه صورت گیرد این ولایت را قیومیت گویند.
- گاهی نیز شخصی به وسیله دادگاه موقتاً برای اداره امور محجور تعیین می شود که به آن امین گویند.

محجورینی که تحت ولایت قهری هستند

- طفل صغیر، تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد. (ماده ۱۱۸۰ ق.م)
- محجورین تحت ولایت سه دسته اند :
 - صغیر: دختر تا ۹ سال تمام قمری و پسر تا ۱۵ سال تمام قمری صغیر محسوب می شوند.
 - سفیه: شخص غیر رشید که عدم رشد او متصل به زمان صغر باشد
 - مجنون: مجنون در صورتی که جنون او متصل به صغر باشد.
- هر گاه عدم رشد و یا جنون متصل به زمان کودکی نباشد و این حالت بعد از رسیدن به سن بلوغ و رشد عارض شده باشد، محجور تحت ولایت قهری نخواهد بود و از طرف دادگاه قدیمی برای او در نظر گرفته می شود.

اولیای قهری

ولی قهری در قانون مدنی

- ولایت قهری مخصوص پدر و جد پدری است.
- پدر و جد پدری هیچ یک بر دیگری در ولایت حق تقدم ندارند.
- در خصوص ولایت جد پدری متعدد، هیچ یک بر دیگری اولویت ندارد و با یکدیگر همه عرض می باشند.
- مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری شخص محجور را به اقتضاء ضرورت برعهده دارد، حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقه طفل یا محجور را نیز دارد. در این صورت، دادگاه باید در ابتداء ادعای ضرورت را بررسی کند. (ماده ۶ ق.ح.خ ۹۲)

وظایف و اختیارات ولی قهری

احکام ولایت

حدود اختیارات ولی:

- در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه، ولی نماینده قانونی او می باشد. (ماده ۱۱۸۳ ق.م)
- تنها چیزی که حدود اختیارات ولی قهری را محدود می کند غبطه و مصلحت محجور است.
- اجرت ولی قهری: ولی قهری در ازای انجام امور محجور استحقاق اجرت ندارد مگر اینکه قصد تبرع و انجام کار قهری نداشته باشد.
- تعیین وصی به وسیله ی ولی قهری:

- هر يك از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود كه تحت ولایت او می‌باشد وصی معین كند تا بعد از فوت خود در نگاهداری و تربیت آن‌ها مواظبت كرده و اموال آن‌ها را اداره نماید.
- هیچ يك از پدر و جد پدری نمی‌تواند با حیات دیگری برای مولی‌علیه خود وصی معین كند.
- ممكن است پدر و یا جد پدری به كسی كه به سمت و صایت معین كرده اختیار تعیین و صی بعد از فوت خود را برای مولی‌علیه بدهد.
- هرگاه ولی قهری برخلاف مصلحت محجور اعمالی به نمایندگی او انجام دهد این اعمال غیرنافذ و قابل ابطال است.
- سقوط ولایت قهری: سقوط ولایت قهری گاهی به حكم دادگاه است و گاهی به يك علت قانونی و بدون حكم دادگاه، ولایت قهری ساقط می‌شود. مورد اول را عزل و مورد دوم را انزال گویند.
- عزل ولی قهری: در قانون مدنی ظاهراً اجازه عزل ولی قهری منحصر، را به دادگاه نداده است و در این مورد به ضم امین اكتفا شده است.
- انزال ولی قهری: مقصود از انزال آن است كه ولایت قهری به يك علت قانونی و بدون احتیاج به حكم دادگاه ساقط شود. مانند اینکه ولی قهری محجور شود.
- ضم یا تعیین امین: هرگاه ولی قهری طفل، رعایت غبطه‌ی صغیر را ننماید و مرتكب اقداماتی شود كه موجب ضرر مولی‌علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه‌ی قضایی، پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره‌ی امور مالی طفل، فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید. اگر ولی قهری به واسطه‌ی كبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی‌علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین ننماید، مطابق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می‌گردد. (ماده ۱۱۸۴ ق.م)

نقشه اقارب

- مقصود از نفقه مقصود از نفقه، نفقه اقارب خویشان نسبی است چون در خویشان سببی و رضاعی تكلیف به نفقه وجود ندارد.
- محتوای نفق: نفقه‌ی اقارب عبارت است از: مسكن و البسه و غذا و اثاث‌البیت و امثالهم.
- مقدار نفقه: در نفقه مقدار معینی شرط نیست باید به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه‌ی استطاعت منفق باشد.
- زن یا شوهر دادن مستحق نفقه: شخص واجب النفقه كه به آن اعفاف گویند جزء نفقه نیست و نیز نفقه زوجه شخص واجب النفقه نیز بر عهده منفق نمی‌باشد.
- نفقه زوجه شخص مستحق نفقه: اگر شخص واجب النفقه احتیاج به زن داشته باشد، می‌توان گفت نفقه زن نیز بر عهده منفق است.
- میزان و ترتیب پرداخت نفقه: دادگاه در صورت درخواست زن یا سایر اشخاص واجب النفقه، میزان و ترتیب پرداخت نفقه آنان را تعیین می‌كند. در این مورد و سایر مواردی كه به موجب حكم دادگاه باید وجوهی به‌طور مستمر از محكوم علیه وصول شود يك بار تقاضای صدور اجرائیه كافی است و عملیات اجرائی مادام كه دستور دیگری از دادگاه صادر نشده باشد ادامه می‌یابد. (ماده ۴۷ ق.ح.خ ۹۲)

خویشانی كه ملزم به انفاق یكدیگرند

- در روابط بین اقارب، فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی و نزولی ملزم به انفاق یكدیگرند. (ماده ۱۱۹۶ ق.م)
- اقارب نسبی در خط عمودی خویشانی را گویند كه بعضی از بعض دیگر با واسطه یا بی واسطه به دنیا آمده باشند.
- قرابت صعودی از پایین به بالا می‌باشد، مانند قرابت فرزند با پدر و پدر بزرگ و قرابت نزولی از بالا به پایین می‌باشد مانند پدر بزرگ و فرزند و نوه اش.
- نفقه اولاد: نفقه اولاد به ترتیب به عهده افراد زیر است:

۱. پدر

۲. جد پدری (با ترتیب الاقرب فالاقرب)

۳. مادر در صورت نبود پدر و یا عدم قدرت آنان

۴. جد و جده مادری و جده پدری.

نفقة پدر و مادر و اجداد:

- نفقه ابوبین با رعایت الاقرب فالاقرب بر عهده اولاد و اولاد اولاد است. (ماده ۱۲۰۰ ق.م.)
- در صورتی که پدر و مادر چند فرزند دانسته باشند، فرزندان باید به طور مساوی نفقه آنها را بپردازند.

تعدد منفق و مستحق نفقه

▪ **تعدد منفق**

- **تعدد منفق در یک خط:**

- نفقه‌ی اولاد بر عهده‌ی پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به اتفاق به عهده‌ی اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب.

- در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده‌ی مادر است.

- هر گاه مادر هم زنده و یا قادر به اتفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده‌ی اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب‌النفقة است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه‌ی اقربیت مساوی باشند نفقه را باید به حصه‌ی مساوی تأدیه کنند.

- نفقه‌ی ابوبین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده‌ی اولاد و اولاد اولاد است.

- **تعدد منفق در دو خط سعودی و نزولی:** هر گاه یک نفر، هم در خط عمودی سعودی و هم در خط عمودی نزولی اقارب داشته باشد که از حیث الزام به اتفاق در درجه‌ی مساوی هستند نفقه‌ی او را باید اقارب مزبور به حصه‌ی متساوی تأدیه کنند بنابر این اگر مستحق نفقه، پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه‌ی او را باید پدر و اولاد او متساویاً تأدیه کنند بدون این که مادر سهمی بدهد و همچنین اگر مستحق نفقه، مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه‌ی او را باید مادر و اولاد متساویاً بدهند.

▪ **تعدد مستحق النفقه:** در صورتی که شخص چند نفر واجب‌النفقة داشته و استطاعت مالی برای اتفاق همه داشته باشد باید به همه نفقه بدهد، اما در صورت عدم استطاعت چند قاعده به شرح زیر پذیرفته شده است:

- **نفقه خود بر نفقه دیگران مقدم است:** در صورتی که شخص متمکن از دادن نفقه دیگران نباشد و تنها نفقه خود را داشته باشد نفقه خود او مقدم است که مدت این نفقه خوراک لازم برای یک شبانه روز و پوشاک و فرش مناسب و وسایل لازم برای زندگی است و اگر چیزی زائد باشد باید به عنوان نفقه پرداخت کند.

- **نفقه زوجه بر نفقه اقارب مقدم است:** در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجب‌النفقة دیگر، زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود. (ماده ۱۲۰۳ ق.م.)

- **نفقه خط نزولی بر اقارب خط سعودی از لحاظ نفقه مقدمند:** اگر اقارب واجب‌النفقة، متعدد باشند و منفق نتواند نفقه‌ی همه‌ی آنها را بدهد اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عمودی سعودی خواهند بود. (ماده ۱۲۰۲ ق.م.)

▪ **خصوصیات نفقه اقارب**

۱. **نفقه اقارب ناظر به آینده است:** زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه‌ی زمان گذشته خود اقامه دعوا نماید و طلب او از بابت نفقه‌ی مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه‌ی نفقه نمایند. (ماده ۱۲۰۶ ق.م.)

۲. کسی مستحق نفقه است که فقیر باشد: کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله‌ی اشتغال به شغلی و سایر معیشت خود را فراهم نماید. (ماده ۱۱۹۷ ق.م.)
۳. کسی ملزم به انفاق است که فقیر نباشد: کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد یعنی بتواند نفقه بدهد بدون این که از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه‌ی تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود.
۴. نفقه اقارب یک تکلیف متقابل است.

■ ضمانت اجرای نفقه اقارب

در مورد ضمانت اجرای مدنی، شخص مستحق نفقه می تواند، با رجوع به دادگاه شخص منفق را ملزم به دادن نفقه کند.

- از لحاظ ضمانت اجرای کیفری، برای ترک انفاق مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه مقرر گردیده است. (ماده ۶۲۴ ق.م.)

حقوق وظیفه و مستمری

- میزان حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی و فرزندان و سایر وراث قانونی وی و نحوه تقسیم آن در تمام صندوقهای بازنشستگی اعم از کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای خاص به ترتیب زیر است:
۱. زوجه دائم متوفی از حقوق وظیفه یا مستمری وی برخوردار می گردد و ازدواج وی مانع دریافت حقوق مذکور نیست و در صورت فوت شوهر بعدی و تعلق حقوق به زوجه در اثر آن، بیشترین مستمری ملاک عمل است. اگر متوفی چند زوجه دائم داشته باشد حقوق وظیفه یا مستمری به تساوی بین آنان و سایر وراث قانونی تقسیم می شود.
 ۲. دریافت حقوق بازنشستگی یا از کارافتادگی، مستمری از کارافتادگی یا بازنشستگی حسب مورد توسط زوجه متوفی مانع از دریافت حقوق وظیفه یا مستمری متوفی نیست.
 ۳. فرزندان اناث در صورت نداشتن شغل یا شوهر و فرزندان ذکور تا سن بیست سالگی و بعد از آن منحصراً در صورتی که معلول از کار افتاده نیازمند باشند یا اشتغال به تحصیلات دانشگاهی داشته باشند حسب مورد از کمک هزینه اولاد، بیمه و مستمری بازماندگان یا حقوق وظیفه والدین خود برخوردار می گردند.
 ۴. حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم و فرزندان و سایر وراث قانونی کلیه کارکنان شاغل و بازنشسته مطابق ماده (۸۷) قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ و اصلاحات بعدی آن و با لحاظ ماده (۸۶) همان قانون و اصلاحیه های بعدی آن، تقسیم و پرداخت می گردد.
- حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی و فرزندان و سایر وراث قانونی کلیه کارکنان شاغل و بازنشسته مشمول صندوق بازنشستگی کشوری مطابق ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ و اصلاحات بعدی آن و با لحاظ ماده ۸۶ همان قانون و اصلاحیه های بعدی آن تقسیم و پرداخت می گردد.
- ازدواج دائم همسر متوفی مانع دریافت حقوق وظیفه (مستمری بازماندگان) زوج متوفی نمی باشد. صندوق های بازنشستگی و تأمین اجتماعی مکلفند در مورد همسرانی که مستمری آنها به علت ازدواج مجدد قطع گردیده، نسبت به برقراری مستمری قطع شده از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون اقدام نمایند. در هر صورت مجموع مستمری بازماندگان مربوط به همسر متوفی و سایر وراث نباید از حداقل مستمری مربوط به هر صندوق کمتر باشد.
- زوجه متوفی، در صورت فوت شوهر بعدی و تعلق حقوق وظیفه (مستمری بازماندگان) به زوجه در اثر آن، از مستمری که مبلغ آن بیشتر است برخوردار خواهد شد. همسر متوفی مکلف است در اینگونه موارد مراتب برخورداری از مستمری دوم را به صندوق های بازنشستگی مربوط اطلاع دهد. در صورت عدم اقدام و دریافت مستمری مضاعف، صندوق بازنشستگی که مستمری پرداختی آن

- کمتر است مجاز خواهد بود کلیه مستمری های پرداختی و سایر هزینه هایی را که من غیر حق دریافت شده براساس آخرین مستمری دریافتی و تعرفه های جاری مربوط به سایر هزینه ها از زوجه وصول نمایند.
- مرجع تعیین از کارافتادگی در هر یک از صندوق ها، مرجع تأیید از کارافتادگی فرزندان ذکور موضوع این ماده نیز محسوب می شوند.
 - فرزندان در صورتی که واجد شرایط دریافت مستمری بازماندگان از طریق هر یک از والدین باشند، از هر دو مستمری برخوردار خواهند شد.

آرای وحدت رویه مرتبط با حقوق خانواده

پژوهش‌خواهی از تصمیم دادگاه بنی بر رد درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش بین زوجین

رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور چون در ماده (۱۶) قانون حمایت خانواده تصریح شده که تصمیم دادگاه در مورد صدور گواهی عدم امکان سازش بین زوجین تعیی نفقه ایام عده و هزینه نگهداری اطفال (حضانت اطفال) حق ملاقات پدر یا مادر یا اقربای مطابقه اول غایب یا متوفی با اطفال یا اطفال و همچنین اجازه مقرر در ماده (۱۴) آن قانون قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش پذیر می باشد بنابراین در صورتی که دادگاه تصمیم بر رد درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش بین زوجین اتخاذ کند تصمیم مزبور مشمول هیچ یک از شقوق پنج گانه فوق الاشعار نبوده و قابل پژوهش خواهد بود این رأی به موجب ماده (۳) از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد.

شرط اجازه ولی و تنه بکاره در ازدواج

وحدت رویه ریافت ۶۲۰۶۲ رأی وحدت رویه شماره رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به نظر اکثر فقها و به ویژه نظر مبارک حضرت امام مدظله العالی در حاشیه عرفاً الوثقی و نظر حضرت آیت الله العظمی منتظری که در پرونده منعکس است و همچنین با عنایت به ملاک صدر ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی عقد دوم از نظر این هیأت صحیح و ولایت پدر نسبت به چنین عقدی ساقط است و مشروعیت دخول قبل از عقد شرط صحت عقد و با شرط سقوط ولایت پدر نیست و دخول مطلقاً (مشروع با شد یا غیر مشروع) سبب سقوط ولایت پدر می باشد بنابراین رأی شعبه نهم مدنی خاص موضوع دادنامه شماره ۲۷۹-۵۹-۹-۱۱-۲۸ دایر بر صحت عقد دوم مطابق موازین شرعی و قانونی صادر شده و صحیح است و این رأی برای محاکم در موارد مشابه لازم الاتباع است.

مسئولیت وصول وجه مربوط به اعلامیه ای از دواچ و طلاق

رأی شماره ۲۴-۱۳۶۵-۹۰۹ رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تبصره ۷۶ قانون بودجه سال ۱۳۶۳ کل کشور مصوب ۱۳۶۲، ۱۲، ۳۰ که از اول سال ۱۳۶۳ قابل اجراء بوده وصول وجه مربوط به اعلامیه های ازدواج و طلاق موضوع ردیف های ۶ و ۷ تبصره مذکور را به سازمان ثبت احوال کشور محول نموده است و سردفتران ازدواج و طلاق قبل از ابلاغ بخشنامه شماره ۲۸۰، ۵، ۱۳۶۳-۳۳۶، ۱۵ وزارت کشور ارسال از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک تکلیفی در وصول وجه مزبور و واریز به حساب درآمد عمومی نداشته اند تا از این جهت مسئول پرداخت آن به ثبت احوال باشند فلذا آراء دادگاه های عمومی حقوقی فسا و نقده و سمنان در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود این رأی بر مطابق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

صلاحیت رسیدگی به دعوی راجع به جنسیت

رأی شماره: ۵۰۳-۱۳۶۶-۱۰۲ رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

صلاحیت دادگاه مدنی خاص برای رسیدگی به دعوی زناشویی و اختلافات خانوادگی در بند یک ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب تصریح شده و دعوی راجع به جهیزیه از شمول این دعوی خارج و در صلاحیت دادگاه های حقوقی است مگر این که طرفین دعوی بر مطابق بند ۴ ماده مرقوم به رسیدگی دادگاه مدنی خاص تراضی نمایند بنابراین آراء شعب سوم و سیزدهم دیوان عالی کشور

که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود، این رأی بر مطابق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است .

در مورد صلاحیت دادگاه مدنی خاص در رسیدگی به دعوی الزام تنظیم سند رسمی و ثبت ازدواج

رای شماره: ۵۶۰-۱۳۷۰-۳۰۳ رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در دعوی الزام به تنظیم سند رسمی نکاحنامه و ثبت واقعه ازدواج در دفتر رسمی از متفرعات دعوی راجع به نکاح می باشد و رسیدگی آن بر مطابق بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهر ماه ۱۳۵۸ در صلاحیت دادگاه مدنی خاص است. بنابراین رأی شعبه دهم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر مطابق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است .

در مورد صلاحیت دادگاه مدنی خاص در رسیدگی به دعوی مطالب مهر

رای شماره: ۵۷۴-۱۳۷۱-۲۰۱۵ رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند یک ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب اول مهر ماه ۱۳۵۸ رسیدگی به دعوی راجع به مهر را در صلاحیت دادگاه مدنی خاص قرار داده که علی الاطلاق شامل هر نوع دعوی راجع به مهر و از آن جمله دعوی مطالبه مهر نیز می شود. بنابراین رأی شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می گردد. این رأی بر مطابق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است .

در خصوص اثبات نسب و انضمام نام

رای شماره: ۶۱۷-۱۳۷۶-۳۰۴ رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بموجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ماده ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابوی طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید یا استفاده از عموومات و اطلاق مواد یاد شده و مسأله ۳ و مسأله ۴۷ از موازین قضائی از دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، زانی پدر عرفی طفل تلقی و نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه برعهده وی می باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است و لذا رأی شعبه سی ام دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد بنظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد بنظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور موجه و منطبق با موازین شرعی و قانونی تشخیص می گردد. این رأی با ستناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است .

در خصوص احاق یک تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی (۸۶۱)

رای شماره: ۶۴۷-۱۳۷۸-۱۰۰-۲۸ شماره ردیف: ۷۸۰۲۶ رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

منظور مقنن از تصویب ماده واحده قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۷۶ با توجه به عبارات صدر تبصره و فلسفه وضع آن حفظ ارزش ربائی مهریه زوجه است که معمولاً بر حسب وجه رایج (ربائی) تعیین می شود اگر چه تاریخ وقوع عقد ازدواج مربوط به زمان قبل از تصویب تبصره مزبور باشد با این وصف قانون مرقوم (تبصره الحاقی) با ماده ۴ قانون مدنی مبینتی ندارد، لذا به جهات اشعاری رأی شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان قم که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و موافق موازین شرع و قانون تشخیص می شود. این رأی بر مطابق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاههای لازم الاتباع می باشد .

کیه دعوی مربوط به صلاحیت قابل رسیدگی فرجائی است

رای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور ردیف: ۸/۸۲ هیأت عمومی رأی شماره: ۶۶۶-۱۹/۳/۱۳۸۳

آنچه از نحوه تدوین بند الف ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مستفاد می شود این است که رسیدگی فرجامی نسبت به احکام نکاح و فسخ آن صرفاً مربوط به اصل نکاح و فسخ آن می باشد و کلمه اصل به سایر موضوعات مذکور در بند ۲ ماده مزبور از جمله طلاق تسری ندارد. زیرا اولاً کلمه طلاق در جمله بطور مطلق ذکر شده، ثانیاً کلمه طلاق با علامت (۱) از اصل نکاح و فسخ آن متمایز گردیده است، بنابراین با توجه به اهمیت طلاق از نظر شارع مقدس اسلام کلیه دعاوی مربوط به طلاق قابل رسیدگی فرجامی بوده و رأی شعبه سی ام دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء اعضاء هیأت عمومی دیوانعالی کشور تأیید می شود. این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده بر دعوی مطالبه مهر

رأی شماره ۷۰۵-۸/۱-۱۳۸۶ وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون مطابق ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ (در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقد و قرارداد ناشی شده باشد، خواهان می تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده باشد یا تعهد می بایست در آنجا ذانجام شود) و مهر نیز از عقد نکاح ناشی شده و مطابق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، به مجرد عقد، بر ذمه زوج مستقر میگردد و به دلالت ماده ۲۰ همان قانون کلیه دیون از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول می باشد، لذا به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور دعوی مطالبه مهریه از حیث صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده مشمول مقررات ماده ۱۳ قانون مرقوم بوده و رأی شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص می گردد. این رأی براساس ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ برای کلیه شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد.

صدور حکم تقیض مهر مستحق من زوج نیست مگر بر رضای مشارالیه

رأی شماره ۷۰۸-۳۳/۵-۱۳۸۷ وحدت رویه هیأت عمومی

به موجب ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد. ضمناً در صورت احراز عسرت زوج، وی می تواند که مهر را به نحو اقسا -اط پرداخت کند. با توج -ه به حکم قانونی ماده مذکور که مطلق مهر مورد نظر بوده و با عنایت به میزان مهر که با توافق طرفین تعیین گردیده، صدور حکم تقسیت که صرفاً ناشی از عسر و حرج زوج در پرداخت یک جای مهر بوده مسقط حق حبس زوجه نیست و حق او را مخدوش و حاکمیت اراده وی را متزلزل نمی سازد، مگر به رضای مشارالیه، زیرا اولاً حق حبس و حرج دو مقوله جداگانه است که یکی در دیگری مؤثر نیست. ثانیاً موضوع مهر در ماده مزبور دلالت صریح به دریافت کل مهرداشته و اخذ قسط یا اقساطی از آن دلیل بر دریافت مهر به معنای آنچه مورد نظر زوجه در هنگام عقد نکاح بوده، نیست. بنابه مراتب رأی شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان که موافق با این نظر است منطبق با قانون تشخیص می شود. این رأی بر مطابق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع می باشد.

چنانچه زوج بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت ائاع و زوجه با اثبات مراتب از نایع زوج در دادگاه و اخذ اجازه از دواچ و کالت زوج از زوج در طلاق محقق و قابل اعال نیست

رأی وحدت رویه شماره ۷۱۶ - ۱۳۸۹/۷/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه مطابق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی تمکین از زوج تکلیف قانونی زوجه است، بنابراین در صورتی که بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع و زوج این امر را در دادگاه اثبات و با اخذ اجازه از دادگاه همسر دیگری اختیار نماید، وکالت زوجه از زوج در طلاق که به حکم ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی ضمن عقد نکاح شرط و مراتب در سند ازدواج ذیل بند ب شرایط ضمن عقد در ردیف ۱۲ قید گردیده، محقق و قابل اعمال نیست، لذا به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان همدان که با این نظر انطباق دارد مورد تأیید است. این رأی مطابق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاهها لازم الاتباع است.

زن در صورت حال بدون مرمی تواند تا مهر او تسلیم نشده از ایفاء مطلق وظایفی که شرعاً و قانوناً بر او بر شوهر دارد امتناع نماید

رای وحدت رویه شماره ۷۸ - ۱۳۹۰/۲/۱۳ بهت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی این است که زن در صورت حال بودن مهر می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء مطلق وظایفی که شرعاً و قانوناً در برابر شوهر دارد امتناع نماید، بنابراین رای شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان لرستان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص و تایید می گردد. این رای مطابق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاهها لازمالاتباع است.

قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱

فصل اول - دادگاه خانواده

ماده ۱- به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ تصویب این قانون در کلیه حوزههای قضائی شهرستان به تعداد کافی شعبه دادگاه خانواده تشکیل دهد. تشکیل این دادگاه در حوزههای قضائی بخش به تناسب امکانات به تشخیص رئیس قوه قضائیه موکول است.

تبصره ۱- از زمان اجرای این قانون در حوزه قضائی شهرستانهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند.

تبصره ۲- در حوزه قضائی بخشهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند، مگر دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضائی رسیدگی می شود.

ماده ۲- دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می گردد. قاضی مشاور باید ظرف سه روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوی اظهارنظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاء کننده رأی باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره و چنانچه با نظر وی مخالف باشد با ذکر دلیل نظریه وی را رد کند.

تبصره قوه قضائیه موظف است حداکثر ظرف پنج سال به تأمین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاههای خانواده اقدام کند و در این مدت می تواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند.

ماده ۳- قضات دادگاه خانواده باید متأهل و دارای حداقل چهار سال سابقه خدمت قضائی باشند.

ماده ۴- رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است :

۱- نامزدی و خسارات ناشی از برهم زدن آن

۲- نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح

۳- شروط ضمن عقد نکاح

۴- ازدواج مجدد

۵- جهیزیه

۶- مهریه

۷- نفقه زوجه و اجرت المثل ایام زوجیت

۸- تمکین و نشوز

۹- طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن

۱۰- حضانت و ملاقات طفل

۱۱- نسب

۱۲- رشد، حجر و رفع آن

۱۳- ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان

۱۴- نفقه اقارب

۱۵- امور راجع به غایب مفقود الاثر

۱۶- سرپرستی کودکان بی سرپرست

۱۷- اهدای جنین

۱۸- تغییر جنسیت

تبصره- به دعاوی اشخاص موضوع اصول دوازدهم (۱۲) و سیزدهم (۱۳) قانون اساسی حسب مورد مطابق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱ و قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیدگی می‌شود.

تصمیمات مراجع عالی اقلیت‌های دینی مذکور در امور حسبی و احوال شخصیه آنان از جمله نکاح و طلاق، معتبر و توسط محاکم قضائی بدون رعایت تشریفات، تنفیذ و اجراء می‌گردد.

ماده ۵- در صورت عدم تمکن مالی هریک از اصحاب دعوی دادگاه می‌تواند پس از احراز مراتب و با توجه به اوضاع و احوال، وی را از پرداخت هزینه دادرسی، حق الزحمه کارشناسی، حق الزحمه داور و سایر هزینه‌ها معاف یا پرداخت آنها را به زمان اجرای حکم موکول کند. همچنین در صورت اقتضاء ضرورت یا وجود الزام قانونی دایر بر داشتن وکیل، دادگاه حسب مورد رأساً یا به درخواست فرد فاقد تمکن مالی وکیل معاضدتی تعیین می‌کند.

تبصره- افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و مددجویان سازمان بهزیستی کشور از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشند.
ماده ۶- مادر یا هر شخصی که حضانت طفل یا نگهداری شخص محجور را به اقتضاء ضرورت برعهده دارد، حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقه طفل یا محجور را نیز دارد. در این صورت، دادگاه باید در ابتداء ادعای ضرورت را بررسی کند.

ماده ۷- دادگاه می‌تواند پیش از اتخاذ تصمیم در مورد اصل دعوی به درخواست یکی از طرفین در اموری از قبیل حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه زن و محجور که تعیین تکلیف آنها فوریت دارد بدون اخذ تأمین، دستور موقت صادر کند. این دستور بدون نیاز به تأیید رئیس حوزه قضائی قابل اجراء است. چنانچه دادگاه ظرف شش ماه راجع به اصل دعوی اتخاذ تصمیم نکند، دستور صادرشده ملغی محسوب و از آن رفع اثر می‌شود، مگر آنکه دادگاه مطابق این ماده دوباره دستور موقت صادر کند.

ماده ۸- رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.
تبصره- هرگاه خواهان خوانده را مجهول المکان معرفی کند، باید آخرین اقامتگاه او را به دادگاه اعلام کند. دادگاه به طرق مقتضی در این باره تحقیق و تصمیم گیری می‌کند.

ماده ۹- تشریفات و نحوه ابلاغ در دادگاه خانواده تابع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است، لکن چنانچه طرفین دعوی طرق دیگری از قبیل پست، نامبر، پیام تلفنی و پست الکترونیک را برای این منظور به دادگاه اعلام کنند، دادگاه می‌تواند ابلاغ را به آن طریق انجام دهد. در هر صورت، احراز صحت ابلاغ با دادگاه است.

ماده ۱۰- دادگاه می‌تواند برای فراهم کردن فرصت صلح و سازش جلسه دادرسی را به درخواست زوجین یا یکی از آنان حداکثر برای دو بار به تأخیر اندازد.

ماده ۱۱- در دعاوی مالی موضوع این قانون، محکوم له پس از صدور حکم قطعی و تا پیش از شروع اجرای آن نیز می‌تواند از دادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده است، تأمین محکوم به را درخواست کند.

ماده ۱۲- در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوی کند مگر در موردی که خواسته، مطالبه مهریه غیرمنقول باشد.

ماده ۱۳- هرگاه زوجین دعوی موضوع صلاحیت دادگاه خانواده را علیه یکدیگر در حوزه‌های قضائی متعدد مطرح کرده باشند، دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده است صلاحیت رسیدگی را دارد. چنانچه دو یا چند دادخواست در یک روز تسلیم شده باشد، دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوی زوجه را دارد به کلیه دعاوی رسیدگی می‌کند.

ماده ۱۴- هرگاه یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد، دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران اقامت دارد برای رسیدگی صالح است. اگر زوجین مقیم خارج از کشور باشند ولی یکی از آنان در ایران سکونت موقت داشته باشد، دادگاه محل سکونت فرد ساکن در ایران و اگر هر دو در

ایران سکونت موقت داشته باشند، دادگاه محل سکونت موقت زوجه برای رسیدگی صالح است. هرگاه هیچ یک از زوجین در ایران سکونت نداشته باشند، دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی را دارد، مگر آنکه زوجین برای اقامه دعوی در محل دیگر توافق کنند.

ماده ۱۵- هرگاه ایرانیان مقیم خارج از کشور امور و دعاوی خانوادگی خود را در محاکم و مراجع صلاحیت‌دار محل اقامت خویش مطرح کنند، احکام این محاکم یا مراجع در ایران اجراء نمی‌شود مگر آنکه دادگاه صلاحیت‌دار ایرانی این احکام را بررسی و حکم تنفیذی صادر کند.

تبصره ثبت طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور در کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ایران به درخواست کتبی زوجین یا زوج با ارائه گواهی اجرای صیغه طلاق توسط اشخاص صلاحیت‌دار که با پیشنهاد وزارت امور خارجه و تصویب رئیس قوه قضائیه به کنسولگری‌ها معرفی می‌شوند امکان‌پذیر است. ثبت طلاق رجعی منوط به انقضای عده است.

در طلاق بائن نیز زوجه می‌تواند طلاق خود را با درخواست کتبی و ارائه گواهی اجرای صیغه طلاق توسط اشخاص صلاحیت‌دار فوق در کنسولگری ثبت نماید.

در مواردی که طلاق به درخواست زوج ثبت می‌گردد، زوجه می‌تواند با رعایت این قانون برای مطالبه حقوق قانونی خود به دادگاه‌های ایران مراجعه نماید.

فصل دوم- مراکز مشاوره خانوادگی

ماده ۱۶- به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند.

تبصره در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد دادگاه‌ها می‌توانند از ظرفیت این مراکز نیز استفاده کنند.

ماده ۱۷- اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسان رشته‌های مختلف مانند مطالعات خانواده، مشاوره، روان پزشکی، روان شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می‌شوند و حداقل نصف اعضای هر مرکز باید از بانوان متأهل واجد شرایط باشند. تعداد اعضاء، نحوه انتخاب، گزینش، آموزش و نحوه رسیدگی به تخلفات اعضای مراکز مشاوره خانواده، شیوه انجام وظایف و تعداد این مراکز و نیز تعرفه خدمات مشاوره‌ای و نحوه پرداخت آن به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۱۸- در حوزه‌های قضائی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر این مراکز را در مورد امور و دعاوی خانوادگی خواستار شود.

ماده ۱۹- مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجراء و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می‌کنند. مراکز مذکور در صورت حصول سازش به تنظیم سازش‌نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می‌کنند.

تبصره - دادگاه با ملاحظه نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی می‌کند.

فصل سوم- ازدواج

ماده ۲۰- ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است.

ماده ۲۱- نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت آن در موارد زیر الزامی است:

۱- باردارشدن زوجه

۲- توافق طرفین

۳- شرط ضمن عقد

تبصره- ثبت وقایع موضوع این ماده و ماده (۲۰) این قانون در دفاتر اسناد رسمی ازدواج یا ازدواج و طلاق مطابق آیین‌نامه‌ای است که ظرف یک سال با پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد و تا تصویب آیین‌نامه مذکور، نظام‌نامه‌های موضوع ماده (۱) اصلاحی قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶/۲/۲۹ کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۲۲- هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.

ماده ۲۳- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون بیماری‌هایی را که باید طرفین پیش از ازدواج علیه آنها واکسینه شوند و نیز بیماری‌های واگیردار و خطرناک برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را معین و اعلام کند. دفاتر رسمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح گواهی صادر شده از سوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلاء به بیماری‌های موضوع این ماده و یا واکسینه شدن طرفین نسبت به بیماری‌های مذکور را از آنان مطالبه و بایگانی کنند.

تبصره- چنانچه گواهی صادر شده بر وجود اعتیاد و یا بیماری دلالت کند، ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است. در مورد بیماری‌های مسری و خطرناک که نام آنها به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می‌شود، طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین شده معرفی می‌شوند. در مواردی که بیماری خطرناک زوجین به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منجر به خسارت به جنین باشد، مراقبت و نظارت باید شامل منع تولید نسل نیز باشد.

فصل چهارم- طلاق

ماده ۲۴- ثبت طلاق و سایر موارد انحلال نکاح و نیز اعلام بطلان نکاح یا طلاق در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق حسب مورد پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم مربوط از سوی دادگاه مجاز است.

ماده ۲۵- در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می‌توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتداء در مراکز مذکور مطرح کنند. در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق جهت اتخاذ تصمیم نهائی به دادگاه منعکس می‌کند.

ماده ۲۶- در صورتی که طلاق، توافقی یا به درخواست زوج باشد، دادگاه به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام و اگر به درخواست زوجه باشد، حسب مورد، مطابق قانون به صدور حکم الزام زوج به طلاق یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق مبادرت می‌کند.

ماده ۲۷- در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.

ماده ۲۸- پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری، هریک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ یک نفر از اقارب متأهل خود را که حداقل سی سال داشته و آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشد به عنوان داور به دادگاه معرفی کنند.

تبصره ۱- محارم زوجه که همسرشان فوت کرده یا از هم جدا شده باشند، در صورت وجود سایر شرایط مذکور در این ماده به عنوان داور پذیرفته می‌شوند.

تبصره ۲- در صورت نبود فرد واجد شرایط در بین اقارب یا عدم دسترسی به ایشان یا استنکاف آنان از پذیرش داوری، هریک از زوجین می‌توانند داور خود را از بین افراد واجد صلاحیت دیگر تعیین و معرفی کنند. در صورت امتناع زوجین از معرفی داور یا عدم توانایی آنان دادگاه، خود یا به درخواست هریک از طرفین به تعیین داور مبادرت می‌کند.

ماده ۲۹- دادگاه ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت‌المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده (۳۳۶) قانون مدنی تعیین و در مورد چگونگی حضانت و نگهداری اطفال و نحوه پرداخت هزینه‌های حضانت و نگهداری تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. همچنین دادگاه باید با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند. ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است. طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیط محکوم به نیز ثبت می‌شود. در هر حال، هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد می‌تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند. ماده ۳۰- در مواردی که زوجه در دادگاه ثابت کند به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف زندگی مشترک که برعهده زوج است هزینه کرده و زوج نتواند قصد تبرع زوجه را اثبات کند، می‌تواند معادل آن را از وی دریافت نماید.

ماده ۳۱- ارائه گواهی پزشکی ذی صلاح در مورد وجود جنین یا عدم آن برای ثبت طلاق الزامی است، مگر آنکه زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند.

ماده ۳۲- در مورد حکم طلاق، اجرای صیغه و ثبت آن حسب مورد منوط به انقضای مهلت فرجام خواهی یا ابلاغ رأی فرجامی است.
ماده ۳۳- مدت اعتبار حکم طلاق شش ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی است. هرگاه حکم طلاق از سوی زوجه به دفتر رسمی ازدواج و طلاق تسلیم شود، در صورتی که زوج ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ مراتب در دفترخانه حاضر نشود، سردفتر به زوجین ابلاغ می کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوج و عدم اعلام عذر از سوی وی یا امتناع او از اجرای صیغه، صیغه طلاق جاری و ثبت می شود و مراتب به زوج ابلاغ می گردد. در صورت اعلام عذر از سوی زوج، یک نوبت دیگر به ترتیب مذکور از طرفین دعوت به عمل می آید.

تبصره- دادگاه صادرکننده حکم طلاق باید در رأی صادرشده بر نمایندگی سردفتر در اجرای صیغه طلاق در صورت امتناع زوج تصریح کند.
ماده ۳۴- مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش برای تسلیم به دفتر رسمی ازدواج و طلاق سه ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی است. چنانچه گواهی مذکور ظرف این مهلت تسلیم نشود یا طرفی که آن را به دفترخانه رسمی طلاق تسلیم کرده است ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم در دفترخانه حاضر نشود یا مدارک لازم را ارائه نکند، گواهی صادرشده از درجه اعتبار ساقط است.
تبصره- هرگاه گواهی عدم امکان سازش صادر شده بر اساس توافق زوجین به حکم قانون از درجه اعتبار ساقط شود کلیه توافقاتی که گواهی مذکور بر مبنای آن صادر شده است ملغی می گردد.

ماده ۳۵- هرگاه زوج در مهلت مقرر به دفتر رسمی ازدواج و طلاق مراجعه و گواهی عدم امکان سازش را تسلیم کند، در صورتی که زوجه ظرف یک هفته در دفترخانه حاضر نشود سردفتر به زوجین اخطار می کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوجه صیغه طلاق جاری و پس از ثبت به وسیله دفترخانه مراتب به اطلاع زوجه می رسد.
تبصره- فاصله بین ابلاغ اخطاریه و جلسه اجرای صیغه در این ماده و ماده (۳۴) این قانون نباید از یک هفته کمتر باشد. در مواردی که زوج یا زوجه مجهول المکان باشند، دعوت از شخص مجهول المکان از طریق نشر آگهی در جراید کثیر الانتشار یا هزینه درخواست کننده به وسیله دفترخانه به عمل می آید.

ماده ۳۶- هرگاه گواهی عدم امکان سازش بنا بر توافق زوجین صادر شده باشد، در صورتی که زوجه بنا بر اعلام دادگاه صادرکننده رأی و یا به موجب سند رسمی در اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل داشته باشد، عدم حضور زوج، مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن نیست.
ماده ۳۷- اجرای صیغه طلاق با رعایت جهات شرعی در دفترخانه یا در محل دیگر و با حضور سردفتر انجام می گیرد.
ماده ۳۸- در طلاق رجعی، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورتجلسه می شود ولی ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده است، مگر این که زن رضایت به ثبت داشته باشد. در صورت تحقق رجوع، صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورتجلسه تکمیل و طلاق ثبت می شود. صورتجلسه تکمیل شده به امضای سردفتر، زوجین یا نمایندگان آنان و دو شاهد طلاق می رسد. در صورت درخواست زوجه، گواهی اجرای صیغه طلاق و عدم رجوع زوج به وی اعطاء می شود. در هر حال در صورت انقضای مدت عده و عدم احراز رجوع، طلاق ثبت می شود.
ماده ۳۹- در کلیه موارد، قطعی و قابل اجراء بودن گواهی عدم امکان سازش یا حکم طلاق باید از سوی دادگاه صادرکننده رأی نخستین گواهی و همزمان به دفتر رسمی ازدواج و طلاق ارائه شود.

فصل پنجم - حضانت و نگهداری اطفال و نفقه

ماده ۴۰- هرکس از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت طفل استنکاف کند یا مانع اجرای آن شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد، حسب تقاضای ذی نفع و به دستور دادگاه صادرکننده رأی نخستین تا زمان اجرای حکم بازداشت می شود.
ماده ۴۱- هرگاه دادگاه تشخیص دهد توافقات راجع به ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل برخلاف مصلحت او است یا در صورتی که مسؤول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند و یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت با اشخاص ذی حق شود، می تواند در خصوص اموری از قبیل واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش بینی حدود نظارت وی با رعایت مصلحت طفل تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

تبصره- قوه قضائیه مکلف است برای نحوه ملاقات والدین با طفل ساز و کار مناسب با مصالح خانواده و کودک را فراهم نماید.

آیین‌نامه اجرائی این ماده ظرف شش ماه توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۴۲- صغیر و مجنون را نمی‌توان بدون رضایت ولی، قیم، مادر یا شخصی که حضانت و نگهداری آنان به او واگذار شده است از محل اقامت مقرر بین طرفین یا محل اقامت قبل از وقوع طلاق به محل دیگر یا خارج از کشور فرستاد، مگر اینکه دادگاه آن را به مصلحت صغیر و مجنون بداند و با درنظر گرفتن حق ملاقات اشخاص ذی‌حق این امر را اجازه دهد. دادگاه در صورت موافقت با خارج کردن صغیر و مجنون از کشور، بنابر درخواست ذی‌نفع، برای تضمین بازگرداندن صغیر و مجنون تأمین مناسبی اخذ می‌کند.

ماده ۴۳- حضانت فرزندی که پدرشان فوت شده با مادر آنها است مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد.

ماده ۴۴- در صورتی که دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۸/ ۷/ ۱۳۸۶، ملزم به تسلیم یا تملیک اموالی به صغیر یا سایر محجوران باشند، این اموال با تشخیص دادستان در حدود تأمین هزینه‌های متعارف زندگی باید در اختیار شخصی قرار گیرد که حضانت و نگهداری محجور را عهده‌دار است، مگر آنکه دادگاه به نحو دیگری مقرر کند.

ماده ۴۵- رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرائی الزامی است.

ماده ۴۶- حضور کودکان زیر ۱۵ سال در جلسات رسیدگی به دعاوی خانوادگی جز در موارد ضروری که دادگاه تجویز می‌کند ممنوع است.

ماده ۴۷- دادگاه در صورت درخواست زن یا سایر اشخاص واجب‌النفعه، میزان و ترتیب پرداخت نفقه آنان را تعیین می‌کند.

تبصره- در مورد این ماده و سایر مواردی که به موجب حکم دادگاه باید وجوهی به‌طور مستمر از محکوم علیه وصول شود یک بار تقاضای صدور اجرائیه کافی است و عملیات اجرائی مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر نشده باشد ادامه می‌یابد.

فصل ششم - حقوق وظیفه و مستمری

ماده ۴۸- میزان حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی و فرزندان و سایر وراث قانونی وی و نحوه تقسیم آن در تمام صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های خاص به ترتیب زیر است:

۱- زوجه دائم متوفی از حقوق وظیفه یا مستمری وی برخوردار می‌گردد و ازدواج وی مانع دریافت حقوق مذکور نیست و در صورت فوت شوهر بعدی و تعلق حقوق به زوجه در اثر آن، بیشترین مستمری ملاک عمل است.

تبصره- اگر متوفی چند زوجه دائم داشته باشد حقوق وظیفه یا مستمری به تساوی بین آنان و سایر وراث قانونی تقسیم می‌شود.

۲- دریافت حقوق بازنشستگی یا از کارافتادگی، مستمری از کارافتادگی یا بازنشستگی حسب مورد توسط زوجه متوفی مانع از دریافت حقوق وظیفه یا مستمری متوفی نیست.

۳- فرزندان اناث در صورت نداشتن شغل یا شوهر و فرزندان ذکور تا سن ۲۰ سالگی و بعد از آن منحصرأدر صورتی که معلول از کار افتاده نیازمند باشند یا اشتغال به تحصیلات دانشگاهی داشته باشند حسب مورد از کمک هزینه اولاد، بیمه و مستمری بازماندگان یا حقوق وظیفه والدین خود برخوردار می‌گردند.

۴- حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم و فرزندان و سایر وراث قانونی کلیه کارکنان شاغل و بازنشسته مطابق ماده (۸۷) قانون استخدام کشوری مصوب ۳۱/ ۳/ ۱۳۴۵ و اصلاحات بعدی آن و با لحاظ ماده (۸۶) همان قانون و اصلاحیه‌های بعدی آن، تقسیم و پرداخت می‌گردد.

تبصره مقررات این ماده در مورد افرادی که قبل از اجراء شدن این قانون فوت شده‌اند نیز لازم‌الاجراء است.

فصل هفتم - مقررات کیفری

ماده ۴۹- چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.

ماده ۵۰- هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.

تبصره- هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.

- ماده ۵۱- هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی و یا بر خلاف سایر مقررات قانونی با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شود.
- ماده ۵۲- هرکس در دادگاه زوجیت را انکار کند و سپس ثابت شود این انکار بی‌اساس بوده است یا برخلاف واقع یا طرح شکایت کیفری یا دعوی حقوقی مدعی زوجیت یا دیگری شود به حبس تعزیری درجه شش و یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.
- این حکم درمورد قائم مقام قانونی اشخاص مذکور نیز که با وجود علم به زوجیت، آن را در دادگاه انکار کند یا علی رغم علم به عدم زوجیت با طرح شکایت کیفری یا دعوی حقوقی مدعی زوجیت گردد، جاری است.
- ماده ۵۳- هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.
- تبصره- امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است.
- ماده ۵۴- هرگاه مسؤول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.
- ماده ۵۵- هر پزشکی که عمداً بر خلاف واقع گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱) این قانون را صادر یا با سوء نیت از دادن گواهی مذکور خودداری کند، بار اول به محرومیت درجه شش موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به طبابت و بار دوم و بالاتر به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.
- ماده ۵۶- هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱) این قانون یا بدون اخذ اجازه نامه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی یا حکم صادرشده درمورد تجویز ازدواج مجدد یا برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند یا بدون حکم دادگاه یا گواهی عدم امکان سازش یا گواهی موضوع ماده (۴۰) این قانون یا حکم تنفیذ راجع به احکام خارجی به ثبت هریک از موجبات انحلال نکاح یا اعلام بطلان نکاح یا طلاق مبادرت کند، به محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می‌شود.
- ماده ۵۷- آیین نامه اجرائی این قانون بنا بر پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.
- ماده ۵۸- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، قوانین زیر نسخ می‌گردد:
- ۱- قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰ / ۵ / ۲۳
 - ۲- قانون راجع به انکار زوجیت مصوب ۱۳۱۱ / ۲ / ۲۰
 - ۳- قانون اصلاح مواد (۱) و (۳) قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ / ۲ / ۲۹
 - ۴- قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج مصوب ۱۳۱۷ / ۹ / ۱۳
 - ۵- قانون اعطاء حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها مصوب ۱۳۶۴ / ۵ / ۶
 - ۶- قانون مربوط به حق حضانت مصوب ۱۳۶۵ / ۴ / ۲۲
 - ۷- قانون الزام تزریق واکسن ضدکزاز برای بانوان قبل از ازدواج مصوب ۱۳۶۷ / ۱ / ۲۳
 - ۸- قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ / ۱۲ / ۲۱ به جز بند (ب) تبصره (۶) آن و نیز قانون تفسیر تبصره‌های «۳» و «۶» قانون مذکور مصوب ۱۳۷۳ / ۶ / ۳
 - ۹- مواد (۶۴۲)، (۶۴۵) و (۶۴۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ / ۳ / ۲
 - ۱۰- قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل بیست و یکم (۲۱) قانون اساسی مصوب ۱۳۷۶ / ۵ / ۸
 - ۱۱- قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش مصوب ۱۳۷۶ / ۸ / ۱۱